

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

علیه جنگ، برای صلح، بیا خیزیم

فداییان خلق را با مردم شرافتمندی که در ایران و عراق خانه و کاشانه شان را ویران کرده اند، برابر می دارد. هم میهنان عزیز!

جنگی که ۵ سال پیش توسط رژیم صدام و بیسای حمایت امپریالیستها با سلاح علیه انقلاب و کشور ما آغاز شده بود سه سال پیش با مقاومت قهرمانان ما به شکست متجاوزان و اخراج آنان از زمین ما منجر شد. اما حکام جمهوری اسلامی علیرغم خواست شما جنگ را برای سرپوش گذاشتن خیانت خود به انقلاب خودسرانه و افسوسناک ادامه دادند و هر روز ادامه آن خیانت و جنایت تازه تری علیه منافع ملی ایران و مصالح مردم زحمتکش ایران مرتکب شدند. در این سه سال مرگ و دلپهره و غم و گرسنگی و بیگاری بیگانه حاصل ادامه این جنگ برای شما بوده است. سودا دام این جنگ فقط به جیب امپریالیسم آمریکا، به جیب ارتجاع ترکیه و دیگر مرتجعین منطقه و به جیب کلان سرمایه داران و تجار بزرگ بازاری رفته است. در این میان رهبران جمهوری اسلامی به شما چیزی که نمی اندیشید سرنوشت مسروم است. آنها به قیمت خون صدها هزار جوان و به قیمت نابودی همه کشور ما همچنان بر طبل جنگ می کوبند و حاضر نیستند به صلح تن دهند. مصیبتی که اکنون منافع ما دچار آن است، مشخصا ناشی از جنون جنگ طلبی رهبران جمهوری اسلامی است. این رژیم جنایتکار دشمن صلح و دشمن مردم است.

هم میهنان مبارزان!

برای پایان دادن به این جنگ خانمانسوز و تکلیت با رویی سرانجام بیا خیزید! با تشدید اعتراض و مقاومت دوسران مرتجع جمهوری اسلامی را مجبور کنید جنگ را قطع کنند. هر تجمع خود را به محصله اعتراض علیه جنگ تبدیل سازید. نمازهای جنگ طلبانه رژیم را به تظاهرات صلح خواهانه تبدیل سازید. در تشییع جنازه شهدا با فریادهای ضد جنگ شرکت کنید. اجازه ندهید رژیم عزیزان شما را فدای جیبهای بی باک گشت این جنگ خانمانسوز بفرستد. نگذارید عمال رژیم از شما برای جیبهای پول و جنس بگیرند. در جیب علیه جنگ تبلیغ کنید. نظامیان و سپاهیان هر طور که می توانند از شرکت در این حملات جنون آمیز سرباز زنند. اعتراض و میسار زره و مقاومت همگانی ما یقینا قاطعاً در ارتجاع کاسم را به زانو درآورد و صلح را به میهن بلاشکیده مان بازگرداند.

بقیه در صفحه ۳

پیام رفیق فرخ نگهدار
به مردم ایران
به مناسبت نوروز

در صفحه ۲

در این شماره:

- * سوال و خمینی در لوطه علیه فدائیان صفحه ۳
- * نامه کمیته مرکزی سازمان به خاوریز و زکوه یار صفحه ۳
- * پیام شادباش احزاب برادر به مناسبت ۱۹ بهمن صفحه ۱۲
- * کار سازمانگران در شرایط کنونی صفحه ۵
- * از جناح برضد دانشگاه صفحه ۹
- * دستور العمل معرکه علیه انجمنات کارگری صفحه ۱۲
- * خمینی اسلام ما را موظف می کند ساواک درست کنیم! صفحه ۱۲
- * بیامون اختلافات سازمان مجاهدین خلق ایران و
- * حزب دموکرات کردستان ایران صفحه ۸
- * لوطه ها و تحریکات کومه در کردستان صفحه ۸
- * لوطه های پشت پرده برای گرفتن زمینهای دهکدها صفحه ۱۰
- * جشن اول ماه ماه راه رچه بر لوان تریکز کتیم صفحه ۱۲

هم میهنان مبارزان!

بار دیگر رژیم خمینی خون بپا کرده است. بار دیگر در آستانه نوروز جنون جنگ طلبی سران رژیم میهن ما را غرق در مرگ و ماتم، غرق در آتش و خون، غرق در دلپهره و اضطراب کرده است. این جنون اهریمنی، بار دیگر درها را زرقبانی گرفته و عید مردم ما را سیاه و زندگی آنها را تباہ کرده است. شروع مجدد حملات جنایتکارانه رژیم صدام علیه مناطق مسکونی و هدفهای غیر نظامی و روش مقابله به مثل امروز جمهوری اسلامی به جنایات هر دو طرف علیه مردم مظلوم ایران و عراق ایضا دولنا کسی بخشیده است. آتش جنگ به تمام شهرهای در کشور کشیده شده، غم و ماتم و دلپهره مرگ، ترس از بمب و موشک و کلبه های توب لحظه ای هم مردم خوزستان، لرستان، باختران، کردستان، آذربایجان، تهران، همدان، اصفهان، اراک و دیگر شهرها و مناطق ایران و نیز ساکنان بسیاری از شهرهای عراق را رها نمی سازد. رژیم جمهوری اسلامی با دست زدن به یک حمله وسیع علیه مواضع رژیم عراق جان دهندها را از مردم دو کشور آبرو داده و آتش جنگ را با زهم شعله و تر کرده است.

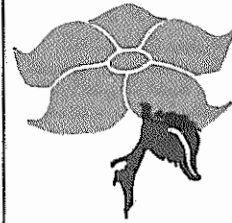
شهادت رفیق تقی قانع خشکبجاری بدست دژخیمان اوین

رفیق تقی قانع خشکبجاری عضو هیات اجرایی کمیته ایالتی تهران و از کادرهای برجسته سازمان ما به دست دژخیمان بی شرم خمینی به شهادت رسید. رفیق تقی یکی از فرزندان صدیق و ایثارگر خلق بود که در شرایط فاشیستی حاکم بر میهن ما وظایف انقلابی خود را مسئولانه و بیگیرانه پیش می برد و یک لحظه از بیگانه در راه آزادیهای و آزادی سازمان خود برای رهایی کارگران و زحمتکشان باز نایستاد. رفیق تقی در تیرماه ۶۲ توسط ما موران رژیم سرشد.

ما موران که او را می شناختند با تسول به وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روانی سعی کردند او را بشکنند. اما رفیق تقی با مقاومتی قهرمانانه تلاش جیلادان را با شکست مواجه ساخت و با بی یقینی از میثاق خود با مردم دفاع کرد. دژخیمان اوین در اواخر تابستان ۶۳ پس از یک سال شکنجه جسمی و روانی خشکبجاری را مخفیانه اعدام کردند. رژیم جنایت پیشه با این ددمنشی ها قادر نیست فریادهای زحمتکشان میهن ما را خاموش سازد. رژیم با این وحشی گریها و سیاه کاریها بیش از پیش چهره پلید خود را افشا و رسوا می سازد و خشم و انتقام آورده های مردم را برمی انگیزد. این جنایتها بی مجازات نخواهد ماند و دوستی این رژیم خودکام و ارتجاعی را تا ماچ شراره های خشم مردم می سازد. رفیق تقی همچون همه رفقای ما با شهادت قهرمانانه خود شایسته کرد که پیمان فداییان با مردم ناگسستن است. مردم انتقام فرزندان مبارز خود را از سران رژیم خواهند ستاند و هزاران فرزند دلاور و قهرمان دیگر را به میدانهای مبارزه خواهند فرستاد. خاطره گری می فدایی شهید رفیق تقی خشکبجاری همواره باقی خواهد بود و مردم در امل قلب خود و در روز هر روزه علیه امپریالیسم و ارتجاع رژیم و ایثار و مصداقت این فرزندان را پاس می دارد.

بحران رژیم و چشم انداز آینده

در صفحه ۶



نوروز
خجسته باد

نوروز هنگام خرمی و تکفوت، زدن زشتی و پلیدی و عزم و امید کار و پیکاری نوید بخش برای سال نو فرارسیده است. این روز شاد و خرمی بر مردم میهنمان مبارک باد. نوروز جشن زندگی است و هم از پیروست کسسه ریشه ای عمیق در زندگی و آرزوهای مردم داشته و از دیرباز، آرزوی سالهای شادمانی و پیروزی و پیروزیهای دشواری و تیرگی همچنان زنده و استوار و برجسته ای مانده است. نوروز از میان سالهای چیره گی نامرئی و جنگ، سالهای درد و رنج و سوگ عزیزان و سالهای بیگانه ای پوشاندن لباس نو بر کودکان نیست، بر اساس آرزوهای آرزویی و امید گذشته می گذرد و مردم مانع از آرزوی سالهای بهتر فردا این جشن و آیین را پاس داشته اند.

اکنون نیز روزگار دشواری بر مردم میهن ما می گذرد. رژیم خائن به انقلاب با ادامه جنگ خانمانسوز چند صد هزار خانواده زحمتکشان را در سوگ عزیزانشان سپاه پوش کرده است. بسیاری دیگر در غم عزیزان اعدام شده و زندانی خود به سر می برند. رهبران جمهوری اسلامی جنایتکارانه و جنون آمیز روزهای آرسال را - چون سال پیش - به جنگ افروزی و راندن هزاران جوان به کام مرگ تبدیل ساخته اند. مردم با خشم و اندوه عظیم هر لحظه را با تنگنای جنایات فرماندهان خمینی و یاد دلو پاس خون و آوار میبارانهای صدام جنایتکار می گذرانند. آنان بجای پیام حلول سال نو، با نعرتهای بی پایان و بیامیهای رامی شنوند که تنها بوی خون و مرگ و ویرانی می دهد و پیکور دلی جنایت آمیز عیسید را شادی شهادت عزیزانشان می نامند.

با این حال امسال هم مردم ما همه غم و درد خود به استقبال نوروز می روند. برگزاری مراسم نوروز چون سالهای پیش عرصه ای از مخالفت و رویا رویی و ارتجاع حاکم است. چهارشنبه سوری، مراسم عید و سیزده بدر سال گذشته صحنه ای چشمگیر از تقابل شده های مردم با تحمیلات ارتجاعی رژیم برای نابودی جشن نوروز و مراسم قبل و بعد از آن بسوده است. تا جاییکه ارتجاع - بر آشفته از عداوت استقبال جشن سالگرد جمهوری اسلامی - مجبور شد با تلخی بسیاری بر برگزاری وسیع سیزده بدر را که عملاً به حرکت و نشاطی عمومی در اعتراض به رژیم بدل گردیده بود، با شدت و جدت و مبارزه و تادیبهای مردم شریک اند، همراه مردم در جشن و مبارزه و مبارزه با رژیم به پیش می روند. مراسم نوروز به کوری چشم ارتجاع برگزار می شود. دید و با دیدها به مجالس افتخاری و یاد و خاطره عزیزان بدل خواهد شد. بگذارد ارتجاع و آوای نیستی و بدبختی سرده و شادی مردم را بر عزای خود ببیند. ارتجاع می میرد و مردم می مانند.

سنتهای مردمی شکوفا می شوند و آرزوهای مردم سرانجام پیروزی می شود. غم و اندوهی که امروز بر قلب میلیونها میهن ما فشار می آورد، سرانجام کوه پر تو عزم و زورم آنان جای خود را به شادمانی و پیروزی خواهد داد. آری! ما نوروز را به نشانده پیروزیهای حتمی آینده پاس می داریم و جشن می گیریم.

پیام کمیته مرکزی سازمان به مناسبت درگذشت

رفیق کسانتین اوستینویچ چرنکو
در صفحه ۲

پیام شادباش کمیته مرکزی سازمان
به رفیق میخائیل سرگنی و یوج گاراجف

در صفحه ۳

پیام رفیق فرخ نگهدار به مردم ایران به مناسبت نوروز

هم‌میهنان عزیز!

فرارسیدن سال نو، وعید سعید نوروز را به شما مبادران، پدران، خواهران و برادران عزیزم میمانه تشریح می‌گویم و سالهای بدون جنگ و خونریزی، سالهای بی‌بدون ترس از بیگاری، خانه‌بدونی و فقر و گرسنگی، سالهای بی‌سزا را از آزادی و برابری، برای شما هم‌میهنان آزادی‌جان، کرد، فارس، بلوچ و ترکمن، برای همه خلقهای ایران آرزوی کنم، آرزوی کنم سالهای که در آستانه آن قرار داریم سال صلح و پایان این جنگ خانمانسوز باشد.

عید ما سال درحالی فرا می‌رسد که آتش این جنگ را بدو شهرایران و عراق کشیده اند و هزاران خانواده شریف و بی‌گناه و بی‌دفاع را در آغوش این جنون جنگ طلبی خمینی و دیگر سران خائن جمهوری اسلامی کرده اند. به‌خاطره‌ها می‌گردد که در شرح‌حاصلات هوایی و موشکی عزیزان خود را از دست داده اند. تسلیم می‌گویم و همدردی همه فدائیان خلق را با آنان و دیگر هم‌میهنانی که جنون جنگ طلبی خمینی و بمب و موشک رژیم عراق کاشانه آن را ویران و یا از شهر و آوارشان کرده است ابراز می‌دارم.

هم‌میهنان عزیز!

هر روز که می‌گذرد با عداوت و با عجز عظیم و در ناکی که مستقیماً از جنون جنگ طلبی رژیم جمهوری اسلامی ناشی می‌شود آتش ترمیمی گردد. خمینی با آدامه بی‌شور و برضای این جنگ بر میهن ما گرد مرگ می‌پاشد. اومسی گوید نخواهد گذشت حتی یک روز هم آب خوش از گلو می‌شما با این رود. بران رژیم بی‌شرمانه می‌گویند تا تمام شهرهای ما را ویران و تمشکام کودگان و نوجوانان ما را در شورش و جنگ نسوزانند، تا تمام ثروت ملی ما را برجا ندهند، تا امنیت و استقلال و تمامیت کشور ما برجا ندهند دست از این جنگ نخواهند داشت، اینها می‌خواهند تا آنجا که می‌توانند به جنگ ادامه دهند، بدون اینکه این جنگ بجز ضررهای بکلی جبران ناپذیر یک سروزن هم برای ما فایده داشته باشد.

راه‌پایان دادن به این جنگ ایران بر سر آمده آن است که همه دست به دست هم بدهیم و متحدان علیه جنگ و برابری صلح، علیه رژیم بی‌خیزیم. کلید صلح نزد ما، نزد شما، نزد مردم است. ما باید با مبارزه بی‌امان خود علیه رژیم، آتش را به تسلیم در برابر خواست خود و آرزوی ما، صلح و مبارزه مسا می‌تواند دوباره بدهد. این فترت با رپایان دهد. عمل رژیم می‌خواهند جوانان ما را به زور به جبهه‌های بی‌بازگشت بفرستند و سر به نیست کنند، بگوئیم تا رژیم نتواند هیچ کس را به جبهه‌ها بفرستد، نتواند هیچ نوع کمک جنسی و پولی را برای آدامه جنگ جمع آوری کند. ما باید در مقابل این رژیم با بیستیم ننگدایم خون در کاسه ما کند و کشور ما را به خاک سیاه بنشانند. در این روز و روز، در این نوروز با یکدیگر عهد ببندیم که با مبارزه یکپارچه خود علیه رژیم به این جنگ خانمانسوز پایان دهیم و میهن خویش را از جنگ این ممیبت بزرگ رها سازیم.

هم‌میهنان داغ‌تند!

امسال نوروز ما در حالی فرا می‌رسد که خمینی دهها هزار خانواده را در آغوش کرده و جگر گوشه دهها هزار دیگر را به زندان کشیده است. از طرف کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به این خانواده‌های دلبر و شرافتمند و به پایداری و استقامت این فرزندان قهرمان که بیگمان راهگشای آزادی و بهر روزی همه خلقهای ایرانند میمانا نه درود می‌فرستیم و یاد آوری شوم وقت آن است که هم‌مسره دست در دست هم راه این عزیزان را سرفروش خود سازیم و با اتحاد دوباره خود را رتاج عا کم‌رکاب این استبداد سیاه و خونین را بر میهن ما تحمیل کرده است در برابر عزم و اراده خود به‌زادان و ندادیم. در راه

آزادی زندانیان سیاسی، در راه آزادی همه خلق از جنگ این استبداد قرون وسطایی بی‌خیزیم.

کارگران عزیز!

امسال نوروز ما در حالی فرا می‌رسد که فشار زندگی بردوش زحمتکشان میهن ما سنگین تر و بسیار رنج و محرومیت کارگر و دهقان و زحمتکش ایرانی از هر زمان جسا نگاه تراست. رژیم خمینی از یک طرف هر ساله نصف خروت کشور را در شورش و جنگ می‌سوزاند و بقیه را هم تا می‌تواند به کیسه کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان می‌ریزد. کارگران ایران به‌مشابه بیدارترین و قدرتمندترین بخش مردم امروز در صف مقدم مبارزه علیه سرکشی حاکم قرار دارند. اعتصابات و تظاهرات، سازمان و ذوب آهن سیلی‌های محکم طبقه کارگر بر صورت خائنین بود.

رزم و مبارزه شما می‌تواند این رژیم را هم مشکل رژیم مغفورشه از پای در آورد. رژیم در برابر سر اتحاد شما زبون است. اعتصاب شما می‌تواند کمترین دشمن را خنک کند. سالی که گذشت دهها هزار کارگر در دهها واحد تولیدی بزرگ دست به اعتصاب زدند. کم کاری و معطلی و امت در برابر دولت و سرمایه‌داران به اشکال مختلف گسترش یافت. امسال نیز قطعاً امکانات برای تشدید مبارزه شما علیه رژیم پهلوی می‌شود. شما امسال قوی خواهید بود، هر گاه

دهقانان عزیز!

رژیم جمهوری اسلامی دشمن شماست. این رژیم هم‌طرفدار فئودال و هم‌طرفدار سرمایه‌داران است و می‌خواهد بقیه زمینها را هم ز شما بگیرد و به اربابان سابق بدهد. زمین و آب و رژیم طرفدار رهبان کسان است که شما را می‌چاپند و آواره شهرها می‌کنند. رژیم کاری کرده که شما در روستاها خانه خراب شوید و راهی شهرها گردید. اربابها را بدهد راه ندهد. نگذارید زمین را از شما بگیرند. علیه جنگ با بیستید، نگذارید فرزندان شما را به زور به جبهه‌ها ببرند. متشکله شوید و علیه سیاستهای فئودالی رژیم هر طور که می‌توانید اعتراض کنید، مقاومت کنید.

جوانان عزیز!

دانشجویان و دانش‌آموزان ایران! سران خائن و جنگ طلب جمهوری اسلامی دشمن علم و آموزشند. آنها تلاش می‌کنند تا تمام نسل جوان ایران را در شورش و جنگ بی‌فرجام بسوزانند. آنها می‌خواهند شما درس نخوایید و به ما هیستالین‌ها بی‌سربد، آنها می‌خواهند دانشکده‌ها را منحل و دانش‌آموزان را در جبهه‌ها به کشتن دهند. هر سبزی نرود، اقدام دسته جمعی میلیون‌ها جوان رژیم را عا جزمی‌کنند. مجبور می‌کنند به خواست شما تسلیم شود. رژیم با ورزش هم مخالف است. این رژیم اصلاً زندگی و جوانی و با شادی شما مخالف است. وظیفه شماست که دور هم جمع شوید و ننگدایم بر زندگی، گرد مرگ بپاشید. شما نسل انقلابید. شما تکیه‌گاه پرشور و توان مبارزه علیه این رژیم فاسد هستید. علیه رژیم بی‌خیزید و ننگدایم بر شما میهن را ویران و سیاهی را بر کشور ما بیا فکن کنید.

مادران و خواهران عزیز!

رژیم جمهوری اسلامی آنقدر گستاخ است که رسماً می‌گوید ارزش و مقام شما برابر صفا انسان است. این رژیم جز تحقیر و توهین شما، جز تشدید بیگانه‌سازی با ما نمی‌تواند زندگی خانوادگی و اجتماعی شما هیچ کاری برای شما نکرده و نخواهد کرد. این رژیم می‌خواهد زن املاهیج حتی نداشتن باشد. یک‌سره زور خریداری‌شد. تحصیل نکنند، کار نکنند، هیچ‌سره نمانند، چشم بسته و زبان بریده خود را در جیب بپیچند و در کنج خانه و آشپزخانه بمانند. از آوارده‌ها بکلی بی‌خبر باشد. اینها می‌خواهند شما شادمانی نداشته باشید، نوروز نگیرید و لبخند بر لبانتان نقش نگیرد. همیشه عزادار باشید و همیشه بر سر خاک عزیزانی

علیه رژیم متعهد شویم، به حکومت ارتجاع پایان دهیم!

کارگران و زحمتکشان ایران!

رژیم خمینی جوانان و همه چیزکشورها در آتش اهریمنی تابودمی‌کنند. خواهران و برادران انقلابی و آزادیخواه شما را در سیاه‌گانه و کشتار می‌کند. رژیم خمینی خادم سرمایه‌داران بزرگ و تجار و رتکار است از حقوق شما می‌دزد تا کیسه‌گشاد آنان را پر کند. این رژیم دشمن اتحاد و متشکله شماست، مدافع آزادی کلان سرمایه‌داران است. رژیم خمینی خدمتگزار بزرگ مالکان است، به زور سر نیزه زمین دهقانان را می‌گیرد و به آنها و اربابها بازمی‌گرداند. شما رژیم شاه را سرنگون کردید. شما زمین اصلی مبارزه علیه رژیم هستید. متحد و متشکله شوید و سلاح اعتصاب را علیه رژیم بکار ندادید. مقاومت رژیم را در هم شکنید. برای استقراض صلح و آزادی، برای تامین کار و روغن، برای برانداختن گران و آوارگی علیه رژیم متعهد شویم، به حکومت ارتجاع پایان دهیم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کس‌خمینی کشته و به کشتن داده اند. بزرگترین ولایت فقیه دشمن زن و زندگی است. علیه رژیم متعهد شویم. به کارها خیزید و همچنان که رژیم مغفورشه را به گور سپردید این گورستان را هم روان گورستان سازید.

هم‌میهنان عزیز!

شما شش سال پیش در چنین روزها می‌با به رژیم کشیدن رژیم مغفورشه هشتا می‌اولین بها آزار خود را جشن گرفتید، اما کسانا که قدرت را در دست گرفتند، با سوءاستفاده از اعتماد شما و انقلاب، خیانت کردند و جنگ و استبداد دوباره بر شما تحمیل کردند. برای برکشیدن شما را به فکن کردند. اما اینها خائنان یقین داشته باشند که عمو این رژیم خائن را بدخواهد بپاید. و اینها هم مثل آریا مهریسا زبانشان مردم؟ اکنون رسوا شدند. رژیم مغفورشه را دیرتر با زودتر رفتنی است. ما همه اینست که چه کسی جای این رژیم خواهد نشست؟ از مردم بی‌دانشان مردم؟ اکنون رسوا شدند. رژیم مغفورشه را دیرتر عمال و سرسپردگان بها مهریسا نسیم جهانم تلاش می‌کنند تا نفرت شما از رژیم کثونی را وسیله تطهیر خود کنند و رسوا می‌ها و جنايات خود را بنهشاند. سلطنت طلبان و همه کلان سرمایه‌داران وابسته بها مهریسا نسیم دشمن شما هستند. آنها را افشا کنید و اجازه ندهید خائنین سرنگون شده و مازشکاران بر سر دوباره میدان بپایند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سنگروما زمان استوار شما بر سر مبارزه علیه ارتجاع حاکم است. صلح، استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی هدف مبارزه ما است. رژیم خمینی ما را به جرم میهن پرستی، صلح دوستی آزار دهنده و عدالت طلبی به زندان و شلاق می‌کشد و سرکوب می‌کند. با این حال فدائیان خلق هر دو نیرومندتر از پیش علیه ارتجاع حاکم، علیه امپریالیسم و تمام عمال نشینگاران انقلابی خود را کشتار می‌دهند. از فدائیان خلق ایران، بهر شکل که می‌توانید حمایت کنید. با حمایت خود از فدائیان بانک صلح و آزادی را در فضای میهن پرواز دهید.

نیروهای ملی و دموکراتیک!

سازمانها و احزاب مترقی ایران! در آستانه سال نو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از شما دعوت می‌کند، اکنون که رژیم خمینی هر چه بیشتر در بحران فرو می‌رود، اجازه ندهیم گروهی دیگر از سرچشمین از پراکندگی نیروهای خلقی بهره ببرند. از فدائیان خلق ایران، بهر شکل چنان بیکار و فاسد می، مترج و وابسته را بر خنق ما تحمیل کنند. دستجات متعفن شاه پرست، سازشکاران معلوم الحال و خمینی پرستان مترج هر یک می‌کوشند در ما بقیه خیانت و جنايت از یکدیگر سبقت بگیرند. بیاید این آستانه سال نو عهد کنیم که سال نو با سال اتحاد استوار خود بیدار سازیم و به نیروی این اتحاد، خواب ارباب ارتجاع را بملغوب را برای تسلط بر این میهن بکشد. نقش بر آب سازیم. اجازه ندهیم اختلافات ما و انتقادات ما نسبت به افکار و کردار یکدیگر تحمیل می‌کند و کینه و دشمنی در میان ما بکار رود ما به تمام سیه روزی خلق کردیم. زود در با زوی هم ندادیم و ناقوس مرگ ارتجاع را در همه‌جا در آویم. میمانا را از جنگ این جلادان و خیانتکاران جا هله و جنگ طلب برهانیم، به نیروی اتحاد خلق حاکمیت را به خلق با بگردانیم، بر صلح، آزادی و استقلال و عدالت را با یکدیگر برابیم. میهن برافرانیم و هر روزمان را تسوروز سازیم.

با درود و سلام به همه عزیزانی که در این آستانه نوروز عزیزان خود را در این بهمانها و در این جنگ اهریمنی از دست داده‌اند و با آرزوی صلح و رها می برای میهن زجر دیده‌مان.

۲۹ آشنده ۱۳۴۴ - فرخ نگهدار

علیه جنگ، برای صلح، بیا خیزید!

کارگران و زحمتکشان ایران!

سران خائن جمهوری اسلامی مدها هزار نفر را در جنگ کشیده کشتن داده مدها شهر و روستا را به آتش کشید و کشور را ویران می‌کنند. سران رژیم چترن جنگ دارند، همه چیز را در خدمت جنگ در آورده‌اند، دشمن ملغانند. هر گاه که به شهید، علیه جنگ اعتراض کنید، علیه جمع آوری کمک و اعزام نیرو به جبهه‌ها اعتراض کنید. علیه جنگ اعتصاب کنید، برای صلح تظاهرات کنید. ما شین جنگی رژیم را فلج سازید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ساواک خمینی در توطئه علیه فدائیان

بدنبال اطلاعیه مورخ ۲۲ بهمن روابط عمومی وزارت اطلاعات که در آن رژیم مدعی شده بود که عده ای از فعالین گروهی را که ۳ سال قبل از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انشعبا کرده اند "گروه کشتگر" را مورد هجوم و بازداشت قرار داده است، ری شهری رئیس ساواک خمینی در یک کنفرانس مطبوعاتی تلاش نمود تا طرح ادعای فربه بگروه کشتگر "ضمن عنوان کردن اتهامات رژیم پهلوی" با سازمان ما چنین وانمود کند که گویا فدائیان (اکثریت) مورد هجوم قرار گرفته اند. مقتدا باید توضیح دهیم که از تابستان گذشته به این سو، علیرغم گسترش فعالیت سازمان هیچیک از کادرهای مسئول سازمان فربه نخورده اند، البته آنها هرگاه که دستشان رسید زهر خود را ریختند و انتقام گرفتند، آنها طی سال گذشته چهار رنفر از بهترین رفقای ما و از محبوبترین کادرهای جنبش انقلابی ایران رفقا مودنی پور، خشکباجری، میثم و پورچم را به دلیل تسلیم نشدن به نیابت پلیسشان تا جوا نمودار شده به شهادت رساندند، این رفتار هیچکدام امسال دستگیر شدند. مقتدا تا آخرین اطلاعات اعمال رژیم برای انتقام از سازمان عده بیشتری از فعالین و چهره های شناخته شده سازمان را که در زندان اسیرند زیر شکنجه کشیده و قتلشان آنرا یادآورد. یسک هدف رژیم از برگزاری کنفرانس فوق، تلاش مذبحخانه برای جبران ناگامی هایش در برابر سازمان ما بوده است با همه تلاشهای رژیم فعالیت انقلابی و تبلیغاتی سیاسی سازمان در ساواک و در خارج بطور مرمز گسترش یافته است. حضور فعال سازمان در میدان نظم توده ها بویژه جنبش کارگری ایران، کوشش پیگیری برای متحد کردن همه نیروهای ترقیخواه کشور و برای گسترش تعرض متحدانه ارتجاع حاکم را نگران کرده است. تشدید رسوایی رژیم و مخالفت توده های وسیع خلق با آن این نگرانی را دوچندان ساخته است. این همه رژیم را وامی دارد تا بر تلاشهایش علیه سازمان ما بیافزاید و برای جو سازی به سود خود بیوقی های تبلیغاتی اش را به صدا در آورد.

ری شهری در برشمردن اهداف مبارزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) چهار بار از تلاش ما در راه تشکیل جبهه متحد خلق نامی بردوهراس رژیم را از آن آزرده برون می اندازد. بعلاوه کا ملا قابل توجه است که گویا این جلاد به قصد اهریمنی فربه زدن و مختل کردن روند اتحاد خلق بیشتر شده ترین دروغها را سرهمی کند و مدعی می شود که گویا سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که اطلاعاتی درباره سازمان ما در اختیار ما داشته است. هدف این دروغ رژیم پهلوی این است که از طریق این راهها بی ادبانه در میسازد علیه رژیم دارای آماجهای مشترک معین هستند. ساده اندیشی محض است اگر فکر کنیم اهداف رژیم علیه ما فدائیان خلق ایران به همین اهداف منجر می شود. رژیم هرگز از توطئه و دسیسه تازه علیه سازمان ما باز نخواهد ایستاد، این از ما هیت رژیم ناشی می شود. اینها هرچه بیشتر خواهند کوشید که هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ سازمانی تمام نیروی اهریمنی خود در علیه ما بکار گیرند. هدف آشکار اویت اله "مقام منبتی" هدفی که وی در کنفرانس مطبوعاتی خود نیز تکرار بر ملا کرد پیش از هر چیز تلاش برای شناسایی و سرکوب نیروهای فعال سازمان و خاموش کردن این ستارگان و مبارزه خلق است. تلاش که لزوما می باید بهیشترا برای بیشتر ما را برای مقابله با آن و آمادگی بیشتر برای خنثی کردن آن را به دنبال داشته باشد. چیزی که در چشم اندازی که در پیش است، اهمیت فوق العاده کمی می کند.

ما برای درهم شکستن ارتجاع جا کم برخاسته ایم و آنها برای شکستن سازمان ما، چنین نبرد سخت و سهمگین از ما ایستادگی ایمان انقلابی خردمندی و روشن بینی هر چه بیشتری می طلبند گرچه برای پیروزی در این نبرد راهی دشوار در پیش روی ما قرار دارد، اما ما یقین و ایمان داریم که شرایط سختی را که این رژیم سیه کار بر زحمتکشان و انقلابیون میهن ما تحمیل کرده است دیری نخواهد پاید و قطعاً ما در این نبرد پیروز خواهیم شد.

نامه کمیته مرکزی سازمان به خاور پوزد و کوله یاز

آقای پرزد و کوله یاز، دبیرکل سازمان ملل متحد! چنانکه می دانید جنگ ۴/۵ ساله ایران و عراق که تا کنون زیانهای جبران ناپذیری برای دوکشوریبار آورده و همچنان خطری جدی علیه صلح و امنیت منطقه حساس خاور میانه است، بار دیگر آوج گرفته و فجاجیح هولناکی در کشور ما و در عراق و بیار آورده است. در پی شکستن تعهد دولت خود را در زمینه آزمله به هدفهای غیر نظامی که با ایستکار سازمان ملل متحد و شخص شما به انجام رسیده بود، اکنون رژیمهای ایران و عراق در ابغادی بی سابقه و دهشتناک با بمب و موشک و توپ، مردم بیگناه شهرهای دوشور را به خاک و خون می کشند. رژیم خمینی مردم بیگناه بصره را زیر آتش مداوم توپخانه قرار داده و رژیم صدام سلاحهای شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی مورد استفاده قرار می دهد. مردم میهن ما خواهان آنند که همه سازمانها و شخصیت های ترقیخواه و صلح دوست جهان به کوششهای خود برای قطع جنگ و پایان دادن به کشتار مردم و ویرانی کشور ما بیافزایند. کمیته مرکزی سازمان ما از شما تقاضا دارد که تمام میمائی خویش را برای امتهاد کردن طرفین جنگ به رعایت موافقت نامه قبلی در مورد عدم حمله به هدفهای غیر نظامی، و برای برقراری آتش بس و قطع جنگ و پایان دادن بی درنگ به این جنایات مبذول دارید.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقا دوستان عزیز!

از این پس آندسته از نوشته های کار که می بایست وسیعاً در میان توده ها تبلیغ شود با یک ستاره در آخر نوشته های که میبایست در دستور بحث و آموزش واحدهای سازمانی و همه رفقا قرار گیرد با دو ستاره در آخر اقدام میباشوند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیام شادباش به رفیق میخائیل سرگنی و یوج گارناچف

چنانچه و نبفت های رها بی بخش ملی و به پایبندی عمیق به ایده های مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری ادا خواهد داد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از مصمیم قلب آرزو و اطمینان دارد که حزب کمونیست و خلق اتحاد شوروی به موفقیت های باز هم بیشتری دست یابند. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۱ اسفند ۱۳۶۳ (۱۲ مارس ۸۵)

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتخاب شایسته شما را به مقام دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی صمیمانه تبریک می گوید. اطمینان داریم که حزب کمونیست اتحاد شوروی تحت رهبری شما همچنان به مبارزه پیگیر در راه حفظ صلح جهانی، به تلاش همه جانبه در راه استحکام و یکپارچگی هر چه بیشتر جبهه کوشه های سوسیالیستی و تقویت بنیه دفاعی میهن لنین کبیر، به حمایت و پشتیبانی همه جا نبه از جنبش کارگری و کمونیستی

شبانه روزی موفق شد وظیفه محوله را به خوبی انجام دهد. رفیق در این دوره از فعالیت انقلابی خود در سازمان ندهی کارگران صنوف تهران نقش ارزنده ای ایفا کرد. به پاس خدمات او به سازمان و مردم، در سال ۵۹ به عضویت کمیته ایالتی تهران انتخاب شد. رفیق تقی تا سال ۶۰ که برای نخستین بار توسط ارگانهای سرکوب رژیم اسیر شد، در همین پست سازمانی انجام وظیفه می کرد. در جریان اسارت وی در سال ۶۰ عوامل سرکوب رژیم در زندان نتوانستند به فعالیت و موقعیت او آگاه شوند، او پس از ۸ ماه از زندان آزاد و مجدداً وظایف پر مسئولیت تری را بعهده گرفت و در سال ۶۱ بعنوان عضو هیات اجرایی کمیته ایالتی تهران انتخاب شد. رفیق تقی یک بار دیگر در سال ۶۱ دستگیر و پس از چند هفته آزاد شد و در مسئولیت عضو هیات اجرایی تهران به فعالیت انقلابی خود ادامه داد.

رفیق در شرایط حمله ارتجاع به حزب توده ایران و به پیگرد شدید رهبران و کادرهای سازمان ما کماکان در مسئولیت عضو هیات اجرایی وظایف خود را به انجام احسن انجام می داد. رفیق تقی در جریان انجام یک ما موریت سازمانی در تیرماه ۶۲ به همراه همسر باردارش دستگیر و زیر شکنجه جلادان اوین قرار گرفت. رفیق تقی، همچون برادر شهیدش بر مواضع انقلابی خود مردانه استوار ماند. در اوایل خردادستان ۶۳ وقتی عوامل سرکوب و چون بتکا رژیم در ما سنده شدند، رفیق تقی قانع خشکباجری را ردیالانسه اعدام کردند.

شهید تقی قانع خشکباجری در دستگرسازمان به جنبش انقلابی مردم ایران خدمات ارزنده ای نمود. فدائیان خلق ایران از ایستادگی، پیکار جوی و عشق ورزی او به انقلاب و مردم میهن، از دلیری و مردانگی او الهام می گیرند و پورچم رزم او را فرشته نگه می دارند. پررور راه او و جادان یا دا و

یادنامه رفیق تقی قانع خشکباجری

رفیق تقی قانع خشکباجری عضو هیات اجرایی کمیته ایالتی تهران در سال ۱۳۳۴ در یک خانواده زحمتکش روستایی دیده به جهان گشود. او از همسان کودکی شاهدا رتاق و دشواریان و مردان در شانها و تلاش شبانه روزی خانواده اش برای گذران زندگی محقرتران بود. در سال ۴۸ ساواک برادر شهیدش، فدایی خلق یوسف قانع خشکباجری را بازداشت کرد. زندگی برادران قانع بخشش برای مبارزه با رژیم شاه شد. او در سال ۵۱ به همراه رفقایش محفل فعالی را در رشت تشکیل دادند. رفیق تقی در سال ۵۲ و فعالیت گروهی را گسترش داد و به بخش گسترده اعلامیه در محلات زحمتکش نشین، و در بین کارگران و گروههای روشنفکری پرداخت. در این دوره از فعالیت یوسف را هنمای فعالیت تقی بود. در تیرماه ۵۵ که رفیق یوسف خشکباجری همراه رفیق قانع در میدان شرف بدست دشمنان رژیم شاه به شهادت رسید، ساواک تقی را نیز بازداشت کرد. اما از فعالیت او آگاه نشدند و او را رها ساخت. شهادت یوسف، تقی را در مبارزه علیه رژیم راسخ تر کرد. یوسف در تربیت و پرورش روحیه پیکار جوی رفیق تقی نقش جدی داشت و او را در مطالعه و درک ما هیت و واقعی ربه های کشوری می کرد. زندگی و مرگ انقلابی رفیق خشکباجری، برای رفیق تقی سرمشق شکوه مند عشق به مردم و کینه به دشمنان آن بود.

رفیق تقی در سال ۵۲ وارد تربیت معلم شد و در جلب دانشجویان به مبارزه فعالانه کوشید. گروه مبارزی که با شرکت رفیق و برپایه آماجها و رهنمودهای سازمان تشکیل شده بود در مبارزات دانشی و سیاسی دانشجویان تربیت معلم نقش جدی داشت و خود رفیق در طرز سازمان دهندگان درجه اول جنبش دانشجویی ایران قرار گرفت.

در دوران انقلاب رفیق تقی با سازمان مرتبط شد و از این پس گروه تحت مسئولیت او در مبارزه درگال گسترش مردم و جنبش انقلابی و دانشجویان نقش بیشتری بعهده گرفت. در این دوره رفیق تقی و گروه تحت مسئولیت او در تشکیل و پیش اعلامیه و تبلیغ مواضع سازمان در شهران، گیلان و کسرج شبانه روز فعالیت می کرد. با پیروزی انقلاب رفیق تقی به همراه عده دیگری از همزمانش در پی یزی سازمان دانشجویان پیکار داشتند و مدارس عالی کشور و نظامی و انقلابی خود را در تعمیق و گسترش انقلاب انجام می داد. در سال ۵۸ کمیته مرکزی سازمان امرایجاد و تشکیل سازمانهای حزبی را در دستور قرار داد و در این رابطه وظیفه ایجاد سازمانهای حزبی در شرق تهران به رفیق تقی سپرده شد. رفیق تقی با کار

علیه جنگ، برای صلح، یا خیزم

نیروهای میهن پرست و صلح دوست ایران!

مسئولیت خطیری بردوش ما است. رژیم خمینی با جنون جنگ طلبی خود را در مردم ما رتا بود و استقلال آزادی و تمامیت میهن ما را بر باد می دهد. لجام زدن به این جنایات جنون آمیز اکنون برای همه ما به یک وظیفه کلا فوری مبدل شده است. هر روز که این جنگ ادامه می یابد بعدا دفاعه و زیانهای بگلی غیر قابل جبرانی که متحمل می شود به شدت افزایش می یابد. نباید گذشت که از کار بگذرد و همه چیز را بر باد دهند.

همکاری و اتحاد دمل ما علیه این جنگ خانمانسوز و در راه صلح اکنون به امری کلا مبرم تبدیل شده است. اتحاد ما یقیناً می تواند رژیم خمینی را به تسلیم وادار سازد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تمام سازمانها، احزاب، محافل و شخصیت های صلح دوست و میهن پرست ایران را فراموشی خواند که اتحاد و عمل خود را علیه جنگ هماهنگ سازیم. بیا خیزیم و با تمام قوا، با تمام امکانات، به پیکار ممکن در ساواک میهن مبارزه علیه این رژیم ارتجاعی و این جنگ خانمانسوز را اوج تازه ای بخشیم. متحد شویم، بیا خیزیم و بسوز نیروی اتحاد خود صلح و دموکراسی و استقلال و عدالت اجتماع را در کشور برقرار سازیم.

علیه جنگ، برای صلح، بیا خیزیم

پس روز با صلح

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۶ اسفند ۱۳۶۳

درگذشت رفیق کنستانتین اوستینویچ چرنکو

روز ۱۹ اسفندماه کنستانتین اوستینویچ چرنکو دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و مدبرهای تربیه شورای عالی اتحاد شوروی درگذشت. کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در روز ۲۵ اسفندپلنوم فوق العاده خودرا تشکیل داد و احترام عمیق خودرا به فرزندوفنا دارحزب، رجل برجسته حزبی و دولتی و به مبارز خستگی ناپذیر در راه آزمانهای شریف کمونیستی ادا نمود.

کنستانتین چرنکو تنها ز زندگی خودرا وقف خدمت به حزب کمونیست و مردم اتحاد شوروی نمود و در هر مسئولیت حزبی و دولتی فرا گرفت با تمام قضا کار کرد و بعنوان مدافع پرشور و رگسیم-لنینیسم عمل نمود. اعتقاد عمیق به راه لنین-عشق شدید به مردم، توانمندی و احساس مسئولیت در مقابل حزب مسلمات برجسته چرنکو بود. تجربه سیاسی ارزمند چرنکو به کام مل ترین نحوی در مقام دبیر کل حزب مشخص گشت. در دوره رهبری وی کمیته مرکزی و هیات سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی تصمیمات مهمی بپیرامون مسائل بنیادی پیشرفت اقتصاد و اجتماع و کشاورزی کمونیستی ثوفاها اتخاذ نمود. چرنکو به تکامل سوسیالیسم پیشرفته، بهبود کارآیدئولوژیک، ارتقاء خلاقیت ثوفاها، تحکیم انضباط، قانونیت و نظم توجه جدی مبذول داشت.

کنستانتین چرنکو سطح باسوغا اجتماعی جا مسمه شوروی را فرموله کرده و اعلام نمود که "مادر آغاز یک مرحله تاریخی طولانی سوسیالیسم نفع یافته هستیم" و ناپدیدکار رگزار فکری و ذهن گری در ایوانی از میزان پیشرفت سوسیالیسم شد. چرنکو بر رشد تولیدات اجتماعی-عسسی، کار رست تکنولوژی جدید در واحدهای تولیدی و کیفیت بالای کالاها، ارتقاء راندمان کار و مصرف جویی در مواد تولیدی تاکید داشت. کنستانتین اوستینویچ چرنکو در تحکیم همکاری همه جانبه کشورهای سوسیالیستی، تحقق همکاری اقتصادی سوسیالیستی نقش بسزایی ایفا نمود. تحت رهبری او تلاشهای جدی برای حفظ صلح جهانی و قطع سابقه تسلیحاتی صورت گرفت و در مقابل برنا همای شجا وزگرا نه امپریالیسم، شداید بیرجندی اتخاذ گردید.

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به پیشنهاد آندره گرومیکو عضو هیات سیاسی، میخایل سرگیویچ کارباچف را بعنوان دبیرکل کمیته مرکزی اتحاد شوروی انتخاب نمود.

میخایل سرگیویچ کارباچف در مراسم تشییع جنازه کنستانتین اوستینویچ چرنکو اعلام کرد که در رشد بتکار و خلاقیت ثوفاها، رعایت اکیدنظم و قوانین، انضباط کاری، دولتی و حزبی در آینده نیز مرکز توجه حزب خواهد بود و پرشورانه آنچه که بسا موازین زندگی سوسیالیستی نامازگاری و مغایرت دارد به ما روزه خواهد شد.

رفیق کارباچف شخصیت برجسته حزب کمونیست اتحاد شوروی است. وی در سال ۱۹۷۱ به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد. در سال ۱۹۷۸ بعنوان دبیر کمیته مرکزی و در سال ۱۹۸۰ به عضویت هیات سیاسی ناسل آمد. او نماینده شورای عالی در دوره های هشتم تا یازدهم بود. کارباچف در مقام مسئولیتها بیکیه حزب به وی محول کرده است. با انرژی و بتکار وافر، تمامای درک و تجربه غنی و استعداد سازماندهی خود را بتکار گرفته است. میخایل کارباچف به پیاس خدماتش به حزب کمونیست و دولت شوروی به بار بر افتخار دریافت مدال لنین، هلال انقلاب اکتبر و پرچم سرخ کارباچف را بداد است.

کمیته مرکزی سازمان به مناسبت درگذشت کنستانتین اوستینویچ چرنکو به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پیام تسلیت فرستاد.

خمینی، اسلام مارا محظوم کند
بقیه از صفحه ۱۲

بظهور ویژه تعداد زیادی از ازا و اکیه های فراری به دعوت شدن و حتی برای جذب بعضی از آنها به سفارتخانه های جمهوری اسلامی در خارج از کشور ما موریتها ی مخصوص داده شده است. گزارشات متعددی حاکی از این است که سواکله سا و اکیه های معروف شهرها و استانهای گوناگون مجددا پیداشده است. زمینها، آپارتمانها و کارخانه های آنها بعنوان کام اول با زگردانه شده و حقوق "معوقه" بعضی از آنها پرداخت گردیده است. اکنون این اکیه های "محترم" با همکار سازمانهای امنیتی رژیمهای آمریکا بی گردانندگان املسی و پشت پرده وزارت اطلاعات اندوسیاست و برنامهمی اثرنا تدوین می کنند.

تشکیل سا واک در جهت تکامل سیستمهای سرکوب رژیم است. امکان ارتجاع حاکم برای ادامهم روشهای قرون وسطایی کشونی برای سرکوب جنبش ثوفا ی و پیشروان آن هر روز محدودتر می گردد. رژیم می خواهد بوزار رژیم مردم و بی سرودمانبازان و مخالفان خود را سر به نیست کند. تکمیل روشهای

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت درگذشت رفیق کنستانتین اوستینویچ چرنکو

رفقای گرامی!
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تا ساف و تا شرمعین خودرا نسبت به درگذشت رفیق کنستانتین اوستینویچ چرنکو دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و مدبرهای تربیه شورای عالی اتحاد شوروی ابراز می دارد. مبارزه پیگیر و وقف ناپذیر در راه حفظ صلح جهانی، فعالیت خستگی ناپذیر برای ارتقاء سطح همبشر سطح رفاه زندگی مردم و در راه هدایت جامعه سوسیالیسم پیشرفته در اتحاد شوروی و فعالیت شبانه روزی در راه تحکیم همبستگی خلقها در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع بین المللی

دانیل اورنگا رئیس جمهور نیکاراگوا

دانیل اورنگا رئیس جمهور نیکاراگوا
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تهدیدات اخیر نیکاراگوا و جرح سولتزمینی بزدختن لست متقیم آمریکا جهت سرنگونی دولست انقلابی نیکاراگوا را شدیدا محکوم کرده و اذیتکار حماسه ساز مردم نیکاراگوا علیه امپریالیسم آمریکا و مزدوران آن را از ابتکار شما برای استقرار صلح عادلانه و پایداری در منطقه آمریکای مرکزی تویا پشتیبانی می کند.

مردم مستعدی نیکاراگوا سالیان در از برای رهایی از جور و ستم حکومت دست نشانده آمریکاسا مبارزه کرده و با رهبری دانیل اورنگا از آیدیش ملی ساندنست موقف شده اند که به حیات تنگبین دیکتاتوری خون آشام سازمانهای دهنده در راه بی ریزی جا مسمه آزاد و با دگام با گذارند. دولست نیکاراگوا که با تشدید سیاستها جنگ افروزانسه و شجا وزگرا نه جهان را به آستانه جنگ هسته ای سوق داده است، نمی توانستند تا دشوگنا بی دولت انقلابی ساندنست آمریکای لاتین باشد. امپریالیسم آمریکا از زمان بدوی پروزی مردم نیکاراگوا، سبب قلب انقلاب را با تیرهای زهر آگین نشانه گرفت. انتخاب شما بعنوان رئیس جمهور و پیروزی جهه ساندنستها در انتخابات نمایندگان مجلس ملی،

پلیس سیاسی خمینی، انقلابیون را بر آن می دارد که با هوشتیا ری بیش از پیش به مبارزه بپردازند، تا کتیکهای مزورانه سا واک رژیم را بشناسند، به همزمان خود آموزش دهند و یک گام پیش تر از آن حرکت کنند.

مردم میهن ما که سا واک و سا و اکیه را به گور سپردند، سا واک خمینی را نیز به سر نوشت آن گرفتار خواهند ساخت. مردم سرا زگاری با چنین دستگاهی سرکوب و اختناق ندارند و با مبارزه خود آنرا منحل و تا بودخواهند کرد.

اطلاعاتی درباره اقدامات سا واک رژیم

با شکل گیری وزارت سا واک رژیم و یک کاه شدن ارگانهای اطلاعاتی کوناگون، اقدام بسیاری شناسایی و تنظیم و تشکیل پرونده های امنیتی برای مردم در محیط های گوناگون بطور گسترده ای آغاز شده است. شناسایی عناصر مترقی و پیشرو در کارخانجات، ادارات، ارتش، مدارس و دانشگاهها و... و تشکیل پرونده های امنیتی و زیر نظر گرفتن آنها، از تلاشهای مذبحوفا نه اخبار سا واک رژیم است که بمنظور حفظ آن در شرایطی که جنبش ثوفا ای روبه گسترش صورت می پذیرد.

بر اساس گزارشهای رسیده ارگانهای اطلاعاتی رژیم برای شناسایی نیروهای مترقی در ارتش اقداماتی را آغاز کرده اند. به واحدهای گوناگون ارتش دستور داده شده است که مشخصات، سوابق و کلیه اطلاعات دربارهم پرسنل کرسدناغل در ارتش را جمع آوری کرده و به مراکز اطلاعاتی مربوطه بفرستند. سا واک رژیم اخیرا فرمهایی را در بعضی از کارخانجات و مراکز رگری توزیع کرده و کارگران را مجبور می سازد تا مشخصات و سوابق خود را بنویسند و دوستان و آشنا یان را بنویسند و به آنها بازگردانند. سا واک خمینی برای کنترل دانش آموزان سال آخر دبیرستانها که ماده برای آغاز فعالیت اجتماعی در محیط های گوناگون هستند، سبک فاشیستها پرونده امنیتی تنظیم می کند. بر اساس این تصمیم مسدود کردن در شهرهای گوناگون از هر یک از دانش آموزان سال آخر، قطعه عکس می گردانند و آنها می خواهند تا پرسنل مای گردان مشخصات کامل، سوابق خود دانش آموزان ثوفا نوده و دوستان و نزدیکان او و پرسنل شده است را تنظیم نموده و تحویل دهند. طبق بخشنامه مقامات امنیتی رژیم پرسنل ارتش را موظف کرده اند که در صورت اقامت غیرمنتظره دوستان، اقوام و آشنا یان نشان در منزل مسکونی آنها مراعات را فوراً به آنها گزارش کنند.

آشنا رانسان داد که مردم قهرمان و شجاع نیکاراگوا مصممانه و یکبار رجه در مقابل سیاستهای تاج وزگرا نه دولت نیکاراگوا استاده اند و از سیاستهای دولست انقلابی شدیدا حمایت می کنند. کامیابی چشمگیر نیروهای انقلابی در انتخابات موجب شده است که دولت آمریکا با اقدامات تاج وزگرا نه خسوسود بیافزاید.

ارایه پیشنهادهای جدید سازنده از جانب شما و پشتیبانی از ستم صلح گروه کشورهای کنتسادورا در این موقعیت حساس، بیاتنگرا حساس مسئولیت عمیق دولت انقلابی نیکاراگوا را استقرار صلح در منطقه پرتنش آمریکا مرکزی است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به همراه مردم ایران که در شرایط سخت و خفقان آوری علیه ارتجاع ایران و امپریالیسم جهانی بتکار می کنند، عمیقاً با مبارزه سرخستانه مردم نیکاراگوا علیه امپریالیسم آمریکا، این دشمن مشترک خلقهای ما، احساس همبستگی می کنند و در این شبرد شوشت ساز مردم و دولت انقلابی نیکاراگوا پشتیبانی می نماید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۱۶ اسفند ۶۳ (۷ مارس ۸۵)

شهریه مدارس شبانه فشار بر زحمتکشان

گرفتن شهریه از محصلین مدارس شبانه نشانی دیگر بر کرده زحمتکشان میهن ما است. جوانان بسیاری که از شدت محرومیت و در جستجوی لقمه ای نان بسیاری سپردن شکم خود و خانوادشان چاره ای جز رها کردن درس و مدرسه، دست کشیدن از شوق و پویایی جوانی ندارند و در سه به زیر کمر زحمات کمر شکن نداشتند، اینک از سواد آموزی در دوره شبانه نیز محروم می شوند. این امر که در پی دیگر اقدامات رژیم از جمله برقراری شهریه های سنگین در مدارس، افزایش قاجش قیمت کتابهای درسی و بوالا بردن شهریه و هزینه های کودکتها صورت می گیرد، سیاستهای فدمرکمی رژیم در آموزش و پرورش کشور بیش از پیش آشکار می سازد.

حکام جمهوری اسلامی با خیانت به انقلاب این خواست انقلابی مردم را نیز که تا مین امکان نداشت تحصیل رایگان برای فرزندان میهن ما بوده است زبرپا گذاشته اند. آنان نه تنها کوچکترین کامی در راه رفع مشکل بیسوادی میلیونها مردم کشتور برننداشته اند، بلکه خود ما مل سربس سابقه بیسوادی و سیه روزی مردم رنج دیده ایران می باشد. آقای نخست وزیر و مجلس رژیم ارتجاع در بودجه سال ۶۴ کشوریک با ردیگر از سهمیه نا چیز آموزش پرورش و دیگر نیازهای حیاتی مردم کسر کرده و بر هزینه های عظیم جنگی که کمر زحمتکشان را خرد کرده و جیب سرما به داران را پر می کند، افزوده اند. آقای نخست وزیر و پروری این کمری هزینه نیز به حساب خودیاری مردم می دغدغه خرابی خالی زحمتکشان را نشان داد. در تبصره ۷۷ بودجه می گوید که "سهم وزارت آموزش و پرورش از اجاره داده می شود به منظور تامین کلیه هزینه های مربوط به آموزشهای قبیل از دبستان و بزرگسالان و قسمتی از هزینه های مربوط به آموزشهای ابتدایی، اهنما یی و تحصیل و متوسط عمومی از دانش آموزان و نیکاراگوندگان (رشدگان) پایه های تحصیل آموزشهای مذکور... شهریه دریافت دارند و هزینه نمایند". سرمداران رژیم خمینی آنگاه که حرف محدود کردن غارت و استعمار روپا گرفتن مالیات از سودهای میلیونین کلان سرمایه داران و تاج بزرگ در میان می باشد، دچار اشکال شرعی می شوند، اما آنجا که کارچاپیدن مردم مستعین مالیات بردار مدنا چیز آنان و کم کردن از ابتدایی ترین نیازهای آموزش و بهداشت و غیره "مردم شهید پرور" در میان است، درنگی نیز جا بیزنمی آید.

کار سازمانگرا در شرایط کنونی

تعمین و اجرای مشی مناسب سازمانی در شرایط
شور و آوازه خشناق قما کم بر کشور، برای پیشبرد وظایف
مهم سازمان از اهمیت حیاتی برخوردار است.
در حال حاضر نیروهای قوی و سرنویست ساری بین ما و
دشمن در جریان است. سرکوبگران رژیم تمام
قوای خود را جمع می کنند، امکانات خود را بکار
می بندند، از تاجربا ساواک و ارگانهای اطلاعاتی
کشورهای امپریالیستی بهره می گیرند تا انقلابی در میان
سازمانها را درهم کوبند و به فعالیت انقلابی در میان
شودهای مردم پایان دهند. برای درهم شکستن
نقشه های سرکوبگران و حفظ تشکیلات از گزند دشمن
می بایست خط مشی سازمانی متناسب با شرایط
کنونی اتخاذ گردد.

در اتخاذ خط مشی سازمانی توجه به تناسب نیروها،
وضعیت ارگانهای سرکوب دشمن و میزان انسجام
و توان جنبش انقلابی امر بنیادی است.

اصل عدم تمرکز تشکیلاتی

ساختار تشکیلات سازمان ما مطابق اساسنامه
اصلی کمیته استرالایم - دمکراتیک می ریستی
شده است. اصل عدم تمرکز تشکیلاتی اصلی است
خاص که کاربست آن در شرایط ترور و اختناق کتبی
بر سازمانها ملاحظه شده است. لذا درک دقیق این
اصل و ممانعت عملکرد آن در زندگی سازمانی از اهمیت
جدی برخوردار است.
بر اساس اصل عدم تمرکز تشکیلاتی ما باید ساختار
پی ریزی تشکیلات تمرکز، حمیم و گسترده اجتناب
کرده و واحدهای متعدد مستقلی را بوجود آورد. هیچ
ریسمان و حلقه تشکیلاتی این واحدها را بهم وصل
نمی کند، واحدهای مستقل کوچک بوده از تخرک
زیا در برخورد با دشمن ترسناکتر آسیب پذیرند. این واحدها
راه های از نیروها و مغانقل هوادار و تشکیلاتی
دمکراتیک احاطه می کنند که به کمک آن می توانند
وظایف متنوع تر و گسترده تر را به انجام برسانند.
در شرایط عدم تمرکز تشکیلاتی، مثل هر شرایطی در
زندگی حزب طبقه کارگر و وحدت آیدئولوژیک - سیاسی
شالوده زندگی حزبی است.

سازمان ما بر اصل سترالیسم - دموکراتیک
اصل وحدت اراده و عمل، اصل نفی فرآکسیونیم،
گروهبندی و پراکندگی و برپایه یکپارچگی و انضباط
آهنین سازمانی استوار است. در شرایط فعلی که در
تشکیلات سازمان، اصل عدم تمرکز به اجرا گذاشته
شده است، رعایت اصول فوق و حفظ و تحکیم وحدت
صفوف سازمانی در پرتو رهبری متمرکز و واحد امکان
پذیر است. عدم تمرکز فقط به عدم تمرکز تشکیلاتی
محدود می شود و به هیچ وجه به عرصه سیاست و آیدئولوژی
تعمیم نمی یابد و تنها واحدهای مستقل تر در داخل
کشور را در بر می گیرد. واحدهای مستقل می بایست
تمام ارتباطات تشکیلاتی را با یکدیگر قطع کرده و
تنها از طریق ارتباط با رهبری سازمانی و وظایف خود
را انجام دهند. رهبری سازمانی می کوشد در فعالیت
این واحدها، حتی از نظر زمانی نیز تا حد مقدور
ضرورهما هنگی بوجود آورد. طبعاً پیشروها عدم
تمرکز در تشکیلات سازمان و چگونگی پیاده کردن آن
همواره منوط به رایج رهنمودها و دستورالعملی است
که از طرف کمیته مرکزی سازمان داده می شود.
"نشریه کار" و سایر نشریات سازمان، بنیانیه ها و
اعلامیه های کمیته مرکزی تا مین کنند و وحدت نظو
در صفوف نیروهای سازمان هستند. به علاوه رهبری
سازمانی می کوشد که به طرق ممکن نزدیکترین ارتباط
را با واحدهای مستقل جهت حل مسائل سازمانی و
ایجاد وحدت بیشتر در امریاسی و آیدئولوژیک بوجود
آورد. رهبری واحدهای مستقل نیز می بایست همه
توان و امکانات خود را بکار گیرند تا ارتباط مداوم
و منظمی را با رهبری برقرار کنند. برقراری چنین
رابطه ای از وظایف مقدم و اساسی آنهاست. آنهاست
مطالعه دقیق نشریه کار و سایر نشریات سازمان،
مراجعه مداوم به اسناد سازمانی بویژه اسناد
پلنوم، تحکیم رابطه واحدهای مستقل با رهبری
و هما هنگی بین فعالیت خود این واحدها و وظایف
همیشگی آنهاست.

همه رفقای هوادار در عین حال که باید بکوشند
تا هر چه سریعتر متشکل شوند و سازمان یافته فعالیت
کنند می بایست اکیداً اصل عدم تمرکز را رعایت کرده
و در گروههای کوچک با عده محدود متشکل گردند و برای
تمام با رهبری اقدام کنند. رهبری سازمان
رهنمودهای لازم را برای ادامه فعالیت هر یک از این
گروههای کوچک ارایه می دهد.

برتری کیفیت بر کمیت

اصل برتری کیفیت بر کمیت اصل است که هر
حزب طبقه کارگر همواره و در هر شرایطی بتواند اصل
را همدا درگزینش و سازماندهی اعضا و کارکنان بکار
می بندد. در شرایط سرکوب و وحشیانه رژیم، کاربست
این اصل از اهمیت برجسته و ویژه ای پیدا می کند. کار
سازمانی در شرایط ترور و اختناق از هر گروه انقلابی
تخرک، قدرت ما و نور و کاپری بیشتری را طلب می کند.
امروز پیشبرد وظایف سازمانی از هر عنصر میسر است

بیکار رجویی، فداکاری و ظرفیت بیشتری را می خواهد
بنا بر این می بایست با رانی را انتخاب کرد که
کوشه ای از کار را بگیرند، بر محیط کار روزندگی خود
اشتبکدارند و در نبرد با دشمن و در پرتو تیک انقلابی
امتحان داده باشند و بتوانند زنده بمانند و در راه
برآیند.
واحدهای مستقل سازمانی باید بگونه ای هدایت
شوند که استخوان بندی و ستون فقرات اصلی آنها از
آزموده ترین مبارزینی که دا و طلبانه کار در این
شرایط سخت را پذیرفته اند، باقی و شویوه مبارزه با
پلیس سیاسی آشنا هستند و از روحیه بیگنا رجویی
و ظرفیت کاری برخوردار هستند تشکیل گردد. چنین
مشخصه ای گروه افرادی که در برتری می گیرد، ولی
کاربست این اصل به واحدهای مستقل امکان خواهد
داد که با تحرک کافی و با قدرت ما نور و زیاده انجام
وظایف انقلابی بپردازند. رهبری واحدهای مستقل
می بایست در انجام وظایف محوله به اعغای خود
به اصل برتری کیفیت بر کمیت توجه جدی مبدول
دارند.

لازم به تأکید است که رعایت اصل برتری کیفیت بر
کمیت و انتخاب مالح ترین عناصر انقلابی به هیچ وجه
ناقض ارتباطات وسیع و احد مستقل با هوسو داران
سازمان و عناصر دمکرات و ترقی خواه نمی باشد.
واحدهای مستقل می بایست از تمام عناصری که
حاضرند حتی قدیمی هر چند کوچک به سود جنبش انقلابی
ایران و سازمان بردارند استقبال کرده و آنرا در
خدمت جنبش قرار دهند.
در کاربست اصل برتری کیفیت بر کمیت و انتخاب
همرزم انقلابی نمی بایست ملاکهای گفته شده را
مطلق کرد و باید قدرها نگارانه با عناصر میسر بارز
برخورد کرده در عمل عده انگشت شمار را شامل کرد.
سیاسی از خصوصیات انقلابی اکتسابی و نسبی
است. مجز شدن به دانش ما رگسیستی - لنیستی
فن مبارزه با پلیس، کابری، پیگیری و انضباط،
فداکاری و بیکار رجویی خصلت های هستند که در
کوران مبارزه با دشمن کسب و تقویت می شوند.
بنا بر این به آموزش و پرورش نیروها با یدتک
جدی کرده و بطور فعالانه در جهت یافتن و پرورش
انقلابیون و جلب آنان به واحدهای مستقل گام
برداشت.

جنبه دیگر در رعایت برتری کیفیت بر کمیت، توجه
به ترکیب طبقاتی و اجتماعی سازمان می باشد.
سازمان ما برپایه سازمان پیشا هنگ طبقه کارگر
برای تقویت استحکام خود و برای بالابردن خصلت
روزندگی و کارایی خود تلاش می کند که صدیق ترین
و وفادارترین یاران خود را از میان بدون تردید
زحمتکشان و شهروستانت انتخاب کند. بدون تردید
هر چند در ترکیب نیروهای سازمان کارگران و
زحمتکشان سهم بیشتری کسب کنند، پیوندهای عینی
و ذهنی سازمان با توده ها بیشتر تقویت می شود.

پنهان کاری و سریت

سازمان ما بیکار سخت و آشتی ناپذیری را بسا
رژیم جمهوری اسلامی پیش می برد و خط مشی خود را بر
پایه پایان دادن به حاکمیت ارجاعی ریخته
است. سرکوبگران و اعضای قوا می کوشند
اطلاعات از کارها و عظیم سازمان، ارتباطات و
چگونگی سازماندهی ما کسب کنند تا فریب خود را بر
بیکار سازمان نهدند. در این شرایط با زهم
حفظ اسرار سازمانی و رعایت دقیق اصل سریت و
پنهان کاری اهمیت حیاتی بیشتری می یابد.

رعایت پنهان کاری در عمل، نخستین درس و انقبای
مبارزه در شرایط ترور و اختناق است که هر یک از
انقلابی می بایست آنرا بسا خلاقت و پیگیری فرا
گیرد و در پرتو تیک مبارزاتی بکار بندد.
در شرایط کنونی لازم است که ارتباطات تمام
واحدهای مستقل قطع شود و هر واحد با مکانات خود
متکی گردد. می بایست حداقل اطلاعات ممکن کسه
برای انجام وظایف سازمانی ضروری است در اختیار
اعغای واحدهای مستقل قرار گیرد. از ایجا دانشهای
جدید و غیر ضرور در دوران هداسازمانی باید خودداری
شود و بجای تشکیلاتی به حدس اقل برسد.
رهبری واحدهای مستقل می بایست تمام آموزشهای
لازم را برای حفظ اسرار سازمانی به اعغای خود
بدهند. باید تلاش نمود که اسناد و اطلاعات به دست
دشمن نیفتد و اطلاعات مکتوب درجا سازی
نگهداری شود. روابط را باید بگونه ای سازمان
داد که در صورت واگرمی و یا حمله دشمن حداقل
ضربه و آسیب به واحد مستقل وارد شود. حفظ رهبری
و کارهای واحد از مهمترین وظایفی است که با یدیستی
در سازماندهی و انجام فعالیت های انقلابی
در نظر گرفته شود.

در چاپ، پخش و توزیع نشریات سازمانی باید به
خطرات احتمالی، توجه جدی مبدول گردد. در توزیع
نشریات می بایست حتی المقدور از شیوه های غیر
مستقیم بهره جست و در صورت لزوم پخش مستقیم،
محللهای لازم را درک دید.
حدود شیوه های پنهان کاری بستگی مستقیم به
شیوه ها و میزان قدرت عمل دشمن دارد. قبل از هر
چیز لازم است که شیوه های کار دشمن کشف گردد و تغییرات
آن مداوم مورد توجه قرار گیرد. بدون کشف شیوه های

پلیس نمی توان به مقابله جدی با دشمن برخاست.
آموزش سیستم اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی به
کمک ساواکها و با بهره گیری از تاجربا کشورهای
امپریالیستی مداوم با نزاری می شود. ارگانهای
امنیتی رژیم درجاری سرکوب نیروهای انقلابی
تجربه کسب کرده اند و از پرسنل، بودجه و امکانات
بالتسبه وسیع و زهمی را ارگانهای بر عهده مثل
سپنج کار خجات و مملات، انجمنهای اسلامی و
شوراهای مساجد و غیره برخوردار هستند. سرکوبگران
رژیم می کوشند با توسل به شیوه های گوناگون از
جمله نفوذ، تحقیر و مراقبت، اعمال شکنجه های
وحشیانه انقلابیون، کاربست سیستم های عمومی
جمع آوری اطلاعات و ریکا گیری "تو بین" ایستامنها
انقلابی اطلاعات کسب کنند و آنها را مملاتی سازند.
واحدهای مستقل سازمانی می بایست اسلوب و
روش کار دشمن را بشناسند، اطلاعات لورفته را بی اثر
کنند، دا یما شیوه های کار را مورد بررسی قرار دهند.
انضباط سازمانی را دقیقاً رعایت کنند، بسا
ولنگاری، بی نظمی و کنجکاوای پیگیرانه مبارزه
نمایند. نیروهای خود را همواره تحت مراقبت قرار
دهند، از ایجا دا رتباطات و جذب عنا سرحدیدی که از
کانال آنها خطر نفوذ وجود دارد اجتناب ورزند.
انقلابیون می بایست مداوم شیوه های کار خود را
تغییر دهند و به شیوه های خلاق زنده با مرپنهان کاری
برخورد کنند. هیچ رهنمودی نمی تواند جای ابتکار
و خلاقت انقلابیون را بگیرد. مبارزه با پلیس سیاسی
و بخصوص مبارزه در شرایط ترور و اختناق، نبرد
مغزها و بیکار را بر انقلابیون جان باختار
امکانات محدود در برابر پلیس سیاسی حرفه ای و
امکانات وسیع است. تنها انقلابیون با کسب تجربه
کاربست اصول پنهان کاری در پرتو تیک و با پیویایی
فکری می توانند سازمان خود را از گزند دشمن حفظ
کنند.

حفظ موجودیت واحدهای سازمانی از اهمیت
درجه اول برخوردار است. این واحدهای می بایست
متناسب با میزان رشد خود وظایف بزرگتر و سنگینتری
را بعهده بگیرند. لازم است که تناسب درست میان
گسترش فعالیت واحدهای مستقل و تامین امنیت
آن برقرار شود.

تلفیق کسار مخفی و علنی

در شرایط کنونی کار مخفی رکن اصلی فعالیت
انقلابی سازمان است و ولی کار مخفی به جهت
خصوصیات آن ارتباطات توده ای را محدود و ششوار
می سازد. برای پریش از این عوارض می بایست
تلفیق درست و منطقی بین کار علنی و مخفی صورت
گیرد تا با بهره گیری از امکانات علنی، پیوند
سازمان با توده ها وسیع مردم تحکیم گردد و شرایط
برای هدایت و متشکل کردن توده های مردم فراهم
شود.

ایجاد فعالیت مخفی، هر چند مردم وسیع باشد،
نمی تواند توده های میلیونی را شامل شود. تراکت
و اعلامیه هر چند بخش آن وسیع باشد دست همه
کارگران و زحمتکشان نمی رسد و نمی توانند برسد.
اما اقدام علنی، اگر هم گیرنده نباشد، بسا وسیع
است.

هدف اصلی از کار مخفی، رادنگذارتن فعالیت
انقلابی از دسترس دشمن نیست، بلکه ایجا سازمان
مخفی به منظور تامین شادوم کار انقلابی و فعالیت
در میان توده ها و هدایت مبارزات آنهاست. تنها با
اینگاه نیروی مردم است که می توان ادامه کاری
سازمان انقلابی را تضمین نمود. برای حفظ حیات و
موجودیت واحدهای مستقل رعایت پنهان کاری کافی
نمی باشد. می بایست هرواحدها مستقیماً با انقبوس
از نیروها و محافل هواداران، نیروهای فرهنگی
و دمکراتیک و تشکیلاتی دمکراتیک و توده های تحست
رهبری خویش احاطه شده باشد.
واحدهای مستقل باید در سندیهای کارگری،
تعماری و نیهای مصرف و مسکن، سازمانهای فرهنگی و
آموزشی، باشگاههای ورزشی، فعالیت های فوق
برنامه در مراکز آموزشی و ورزشی سازمان و موسسه
که در آن توده ها جمع هستند و یا در هر سازمانی که
بمهرورت بتواند تدبیراتی برای فعالیت واحدهای
مستقل باشسد روخ کنند.
کار توده ای و علنی به جهت خصوصیات آن کاربست
آرام و دراز مدت و نتایج محسوس، فوری و چشمگیر
ندارد و دا منتهای راهی مطرح در کار علنی بسیار
محدود و تنبیزی آن از میان رفته است. در حالیکه در
فعالیت مخفی امکان طرح شعارهای صریح و ششیز
وجود دارد و می توان کارگران و زحمتکشان را به
پایان دادن به حاکمیت ارجاع دعوت کرد. به علاوه
کار مخفی شرم محسوس و فوری دارد. به همین خاطر
در کار مخفی خلاصه می کنند و به فعالیت اشکاره ای
لازم را قایل نمی شوند.
تنها با تلفیق کار مخفی و علنی می توان فعالیت
انقلابی را پیش برد. تشکیلات را از گزند بوروشهای
مداوم دشمن محفوظ داشت و در کار سازماندهی توده ها
بقیه در صفحه ۸



بحران رژیم و چشم انداز آینده

در آغاز سال نو پیش از هر چیز ضروری است که با بررسی و جمع بندی رویدادهای و رویدادهای عمده سال گذشته چشم انداز آینده و وظایفی را که بر عهده ما قرار می گیرد هر چه دقیق تر بشناسیم، بویژه تشخیص وظایف نوینی که می توانست در مسیر تکوین یک وضعیت بحران در جریانه پیش روی نیروهای ترقیخواه ایران بطور آشنایی دربرابر قرار بگیرد بسیار حاسم و پیراهنیت است. جمع بین رویدادهای سال گذشته نشان می دهد که سال نو میدانی فراخ تر برای حرکت نیروهای انقلابی خواهد بود. سیر رویدادهای به زبان ثبات و بقا رژیم است، اعتراض و مبارزه بوده ها، فعلا لیت سازمانهای انقلابی و تلاشهای سلطنت طلبان و اپوزیسیون لیبرال تشدید می شود و وقوع حوادث پیش بینی نشده افزایش می یابد.

ما همین امروز نمی توانیم بگویم لحظه شفیبر سر نوشت کی خواهد بود. اما می گویم و تاکید می کنیم که آینده به کار امروز ما بسته است. مساله مرکزی آن است که بدانیم آیا ما دهه با شیم و وظایف بنیادین آن است که هر چه سریعتر آماده شویم. نیروهای انقلابی با یاد اندیشه و عمل خود را برای متمرکز کردن و متمرکز شدن و حتی در شرایط وقوع پیش بینی نشده ترین رویدادهای به سود خود تغییر دهند.

بحران رژیم

رویدادهای سال گذشته نشانگر تشدید بحران رژیم جمهوری اسلامی است، بحرانسی که نه سطحی و گذرا، بلکه بسیار عمیق و پایدار است.

سرچشمه بحران خصلت به شدت ضد مردمی رژیم، جدا بی آن از توده ها و رویا رویی آن با توده ها است. بررسی کارنامه یک ساله حکومت با زهم روشن تر نشان می دهد که رهبران جمهوری اسلامی در تلاش اند تا جا معه را به عقب برگردانند، می خواهند چنان مناسبات بهره کشانه و استثمارگرانه ای را به توده ها تحمیل کنند که مانند آن تنها در قرون وسطی و در مرحله نخستین پیدایش سرمایه داری، که بهره کشی به عربان ترین شکل صورت می گرفت وجود داشت. سیمای عمومی این تلاشها را از جمله می توان در لایحه "حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی دید که آماج آن احیاء مناسبات ارباب و رعیتی است. طبیعتا پاسخ چنین تلاشهایی جز خشم و نفرت آتشین توده ها نیست و نخواهد بود. کسی جز خود حکومتیان و طبقاتی افسوس شده، امیدوار است تا دویا موقت با رژیم خمینی تدارک بین رژیم می خواهد به حساب مردم کشورگشایی کند، سازمانهای سیاسی ترقیخواه و راز زمین برآورد، استعداد خن را برقرار سازد، همه حیات اجتماعی را مذهب کند و با لاس از همه شریکان مردم را به دست خودشان کشد و به یک مذهب کلان سرما بدهد. ران بزرگ مالکان نبریزد، اما خمینی و پیروان وی با اسلام و اسلامای شیدانه نمی توانستند توده ها را در دام آفت و فتنه خود بکشند، امروز آنها از جبهه های جنگ تا کارخانه ها و از روستا ها تا دانشگاهها با مخالفت و مقابله مردم روبه رو هستند، جنگال فدا دلین کارگران و دهقانان و دیگر رنجبران و روشنفکران انقلابی و مردم آزاده دامن خون آلود حکومت خمینی را گرفته و هر چه محکمتر در با تعلق بحران فرو می کشند.

تشدید تضادهای درونی رژیم رکن دیگر بحران آن است. این تضادهای با کشتا و تنش ها می که در جریان برکناری بازرگان و بین مدرو قوع یافت متفا و است. مساله این است که این با صاحب تقدیس شده امام به جان هم افتادند و چنان شکافی در "استوانه" حکومت پدید آمد که تا خود بیت امام و تا پای منبر ایشان در جاران امتداد می یابد.

تضادهای دست بندیهای درون حکومت بیانگر وجود جناح یا دسته بندی مترقی و نیک و ندهی از حکومتیان نیست، همه هیات حاکمه، خمینی و همه دستگاہ خلافت وی ارتجاعی، ضد مردمی و ضد بشری است. در عین حال این مساله که رژیم سر ارتجاعی است تا فی وجود تشدید کشتا کشتا نیست نمی توان بداند.

در طول سال گذشته، بویژه در شش ماه دوم آن سران جمهوری اسلامی ناچار شدند دوباره بحران درونی رژیم اذعان کنند و به سنگر گیری علنی علیه یکدیگر بپردازند. حتی دولوهای خانه زاده امام، رفسنجانی و خا منده ای نیز به تواتر استوهای گندگرفته حزب جمع را ترک کردند، تا آنجا که رفسنجانی آنگسار آ گفت که دوجوب در یک حزب جمع شدن و اذعان کرد که چنین پدیده ای نمی تواند دوام یابد.

به جز اذعان تشدید بحران تشدید تلاشهای حکومتیان برای انجام مبارزهای جدید می توان دانست. خمینی، خا منده ای و رفسنجانی طی سال گذشته نیز به چرخه این تلاشها بودند. رفسنجانی در "پاسخ به ۲۲ سوال" (اطلاعات ۶۶ بهمن ۶۳) سازش جدید میان سران دسته های مرتجع را عیان کرد و گفت: هر دو طرف از مواضع خود کناره می مانند.

کناره آمدن این دسته ها مساله تا زهای نیست، آنها هر بار، برای رویا رویی با مردم مواضعی بسته را ارتجاعی با هم کنار آمده اند. اما با زهم به جان هم افتادند و با زهم حکومتیان با تضادهای و کشتا کشتای تازه و اغلب بدتری روبه رو گردید. تضاد میان حکومتیان تنها بین دو دسته مشخص و بر سر یک مساله واحد ثابت نیست که بتوانند آنرا یک با برای همیشه حل کنند. بین حکومتیان تضادهای متعددی وجود دارد. تضاد میان دسته بندیها در رأس حکومت، تضاد بین با بیتی های حکومت با با لایی ها تضاد بین مرتجعین و پاسگرا و مصلحت اندیشانی که می خواهند بقی نیا زهای امروزی سرما بدهداری وابسته اوضاع را بر سوره کنند و غیره از این زمره اند. این تضادهای هم در نتیجه وابستگی حکومتیان به اقتضای ارتجاعی مختلف بروزی می کنند و بر سر قدرت و موقعیت و امتیازات حکومتی، اختلاف بر سر مسایلی مثل نقش و سهم بخش دولتی و تاجر بزرگ در اقتصاد مساله جانشینی خمینی که امروز مساله مرکزی در مجلس خبرگان است از این زمره است.

چند حکومت وجه در اپوزیسیون ترقیخواه نیروهای به دستکده فکری می کنند تضادهای درونی ارتجاع مساله ایست فرعی و بی اهمیت و ارتجاع بر با پیسسه منافع مشترک خود حتما به آن نقطه پایان می گذارد. برای حکومتیان اینگونه آرزوهای بدون معمول و طبیعی است. اما نیروهای انقلابی و مردمی اگر پیسسه تضادهای درونی رژیم بهانه لازم رانده و نتوانند آنها را از میان دسته بندیهای ارتجاعی رادینتر بکشند و بر یک خطی جدی می شوند.

شک نیست که می توان بین دسته بندیهای ارتجاع بدودینتر تشخیص داد. اما آنچه توجه به تضادهای درونی هیات حاکمه را بسیار ضروری می کند همانا لزوم تشخیص وضعیت و موقعیت مجموع ارتجاعی حاکم، لزوم ارزیابی دقیق از نیرو و توان دشمن و امکانات خودمان و لزوم تشخیص ضعیف ترین حلقه ها برای آسیب زدن به دشمن و گسترش تعرض انقلابی است.

تا شمر متقابل جنبش انقلابی بر تضادهای درونی رژیم و با لعکس مساله مهم دیگری است، هر چند جنبش انقلابی به سستی مبارزه در ارتش و سپاه و بسیج و حلقه های

با بینی بسیاری دیگر از تضادهای حکومتی گسترش می یابد. حلقه های بسیاری از تضادهای حکومتی که با مردم در تماس هستند نیز تا شمر بر تضادهای ارتجاع می گیرند و می توانستند منشأ فشا رهای سنگین بر رژیم شوند. نمونه مشخص تا شمر مبارزه مردم در تشدید کشتا کشتای رژیم را می توان در عزل توکلی، عسکرا و ولادی و لاجوردی توسط ارتجاع حاکم دید. ارتجاع زمانی آنها را برکنار کرد که حدود بیش از همیشه به آنها نیا زد داشت. برکناری آنها زیر فشار مردم با کشتا کشتای تشدودناتلی در هیات حاکمه همراه بوده است. تضعیف رژیم در تشدید کشتا کشتا کشتا و تضعیف قدرت و نفوذ خمینی با زهم شریط را به تشدید کشتا کشتای درونی رژیم فراهم می کند. همانطور که در سالهای اخیر شاهد کردیم رژیم مردم می توانستند برای مقابله با مردم موقتا درگیر بیهای درونی خود نباشد. این بهره از تضاد رژیم با مردم را هرگز نمی توانستند فرمان و نصیحت این مسایل را حل کند. ارتجاع زیر تا شمر جنبش انقلابی از یک سوی کوششها تکیه بر منافع مشترک خود متعدد عمل کند، تضادهای وصف های خود را نشان نداد و در نشان مسایل را حل کند، از سوی دیگر دست بندیهای هیات حاکمه که یکدیگر را مقصود بیک خود را "برحسب" می دانند فراهم می شوند نمی کنند که از "حاصلت لحظه" نیز نیا بت سودا ببرند، همه "انحطاف" را نصیب رقیب و همه "قاپطیت" را بهره خود کرده تشدید می کنند. استفاده از راز و شناسی هر اس از تشدید طرف مقابل را در کوتاه ترین زمان معرب و تسلیم کنند. علاوه بر این هر یک از دسته بندیها به شکلی می کوشند تا توده ها را به سود خو فریب دهد. در این راستا کاملاً ملامت آده می شود که هر یک از آنها می خواهد طرف مقابل را عامل و آماج اعتراض توده ها معرفی کند. حتی تا جایی که ممکن باشد تلاش می کنند تا طوری سخن بگویند که بدترین توهتم در ذهن مردم پدید آید و موقتا مدام ملی شان در برده بنیان بماند.

در اینجا با پدید آید همی که دوشکل عمده و انکشن رژیم خمینی در مقابل توده ها، تلاش برای اتحاد و گرا بین به تفرقه - چگونه در کنار یکدیگر بجای می گیرند و ترکیب می شوند تا آنجا که به پیروان راست و دروغ ولایت فقیه، یعنی همین هیات حاکمه فعلی بر می گردد آنها تا کنون استناد خود را در مقابل مردم حفظ کردند و تضادهای پیش را در برده و حکومتیان نگه داشتند. اما کشتا کشتای درونی آنها هرگز نه خا موش و نه تعدیل شد. طی دوسه سال اخیر و بطور مشخص در سال گذشته ما شاهد بودیم که برای مقابله با ارتجاع و با رادگری بین دسته بندیها شدت می گیرد، از برده بیرون می افتد و با وج می رسد، آنگاه مجموع هیات حاکمه گام دیگری در راه خیانت به خلق بر می آرد. سپس با با در میانی "امام" و بخاطر "حفظ حکومت اسلامی" و برپا به توسعه و تحکیم ارتجاعی ترین مواضع دعواها به پس برده کشیده می شود. پس از مدتی "ارتجاعی" ظاهر می شود و هر حرکتی مثل قبیل امام این بار رندیدتر از غامی شود. اوضاع گسسته این تیش قلب بیمار رژیم هر چند در پایان عمر "امام" نزدیکتر می شود تشدید می گردد.

تشدید تضادهای درونی رژیم به نوبه خود توان رویا رویی آن با جنبش انقلابی را کاهش می دهد و می فرساید و شرایط را برای گسترش بیشتر زهم مبارزه مردم هموار می سازد. اگر رژیم برای مقابله با مردم به اتحاد دشمنان متذات است، مردم نیز در مقابل با رژیم خود را به تفرقه و تشتت مردم بیشتران هستند تا مکان نفوذ در همه نهادها و صفوف دشمن افزایش یابد و امکان بهره روری نیروهای انقلابی از امکانات پیش بینی نشده بسیار بیشتر گردد.

بحران اقتصادی و وجهی دیگر از بحران به نوبه رژیم است. این بحران در بودجه تنظیمی دولت برای سال ۶۴ بطور کامل متعکس است. نزدیک به ۴۵ درصد این بودجه به هزینه جنگ و اداره نیروهای مسلح اختصاص یافته است. در حالی که سهم صنعت و کشتا ورزی بسیار ناچیز است و از هزینه های عمرانی با زهم کاسته شد. رژیم برای جبران کسری بودجه فشا بریز حمتکشان را تشدید می کند و با چاپ بی رویه اسکناس تورم را با زهم بیشتر دامن می زند. تورم و گران فضا ر در کشندهای جرز حمتکشان وارد می آورد. هر روز توان خرید آنها کمتر می شود و رفح نیا زهای روزمره زندگی برایشان دشوارتر می گردد. رگود با زرفست، کاهش مدور رفت، هزینه های نجومی جنگ و تنش ناشی زگسترش آن به خلیج فارس بحران اقتصادی را عمیق و توان رژیم برای تعدیل آنرا به شدت کاهش می دهد. ضعف بنیه مالی و تشدید خا برارزی رژیم راندر تشنگان قرار داده است. این مساله در کاهش واردات ماههای اخیر به میزان ۳۰ درصد نسبت به سه سال گذشته متعکس شده است.

اوضاع اقتصادی و سیاسی کشور بر یکدیگر تا شمر می کنند و در نتیجه این تاثیر متقابل بحران در عرصه های مختلف تشدید می شود. اگر با یک حساب تقریبی در طول سال گذشته حدود ۵۰ درصد از قدرت خرید مردم کاسته شد این فشار به همان نسبت تشدید اعتراض و مبارزه مردم علیه رژیم کمک کرد و به سبب این است. از سوی دیگر در حالی که رژیم می خواهد همپایان جنگ را ادامه دهد ناچار است تا توان آنرا در اقتصاد نینز به دهد و با اختصای ۴۵ درصد بودجه به جنگ خود پیس قدرش حلقوم خویش بپردازد.

تشدید تضادهای سیاسی و زیربنای اقتصادی عامل بحران زای دیگری است که باید توجه جدی به آن شود. "ولایت فقیه" و دستگاہ و با رگاه خلافت خمینی تجسم یک نظام سیاسی قرون وسطایی و بیسایر بدی است. نسنه "امامت" و خلافت و حکومت روحانیون، به حکومت منکی بر فرق بدی و نسنه احیاء وسلطه قوانین و سنن سیاسی، اقتصادی، قضایی و فرهنگی مربوط به دوران عباسیان و عثمانیان و عهد متیق با منطق رشد و تکامل سرما بدهداری سازگار نیست و نخواهد بود. سرما بدهداری از همان آغاز پیدایش به تغییر این امور برداخت و ابتکار رجا کردن دین از دولت و روحانیت از حکومت از آن اوست. آیا سرما بدهداری در ایران با منطق دیگری رشد می کند؟ می توانستند با کشتا کشتای عقیدت و سیاسی روحانیت پیرو و روحانیت پیرو، در این سطح از رشد و تکامل آن "ولایت فقیه" را تا مناسب ترین شکل سیاسی در مقابل خود می بینند.

یکی از مهم ترین تضادهای و تنشات رژیم کنونی همین است که روحانیت حاکم به رهبری خمینی از یک سو تمام قوانین اجرای تمام و کمال "اصول ولایت فقیه" و مذهبی کردن جامعه با الگوهای متروک قرون وسطایی می کوشد و حتی در مردداست از نظر اقتصاد به نزیجا معه را به دور از تضادهای بدوی تا زگرداند و از سوی دیگر زیربنای همین روحانیت سرما بدهداری و وابسته به مسه شخصیات آن با زسازی و گسترش می یابد. این ممداد عینی مثال فلاست که وارونه به خورشسته بود هم روبا خا نه داشت و هم از دور دورتر می شد. در جریان تراشیدن و تقابل نظم سیاسی، ولایتی و نظام اقتصادی سرمایه داری وابسته هر یک در مقابل آن یک ناچار به تشنگانهای متعددی می افتد. تلاشهای سران رژیم برای اینکه این دو پدیده را زیر علم "جامعه اسلامی" ترکیب کنند بسیار عبث و مسخره است. آنچه به عنوان "الگوی اسلامی" از سوی اینان آرایه می شود در واقع نمایش تمام انچه رها ان التقاط و حالت بحران ناشی از ترکیب این دو جنبش متفا داست. خصوصا با پدیدتوجه خلیج "ولایت فقیه" از نظر محتوای اقتصادی به گذشته و حتی به گذشته های خیلی دور نظر دارد و در عمل نیز پیروان متعصب ولی فقیه و شخص خمینی برای احیاء مناسبات ارباب و رعیتی و مناسباتی از آن عقب مانده تلاش می کنند. چنین تلاش در عین با زسازی

سرمایه داری و وابسته توسط آنها تناقضات شدید و حاد بحران‌های جدی پدید می‌آورد. درگیری حکومتیان بر سر نقش و سهم کلان تاجران و بزرگان مالکان در اقتصاد دوچگونگی بازاری سرمایه‌داری، کشاکش آنها بر سر چگونگی اداره بانکها و اخذ مالیات، مساله "تخصیص" و "مکتب" و "مساله دانشگاه و غیره" مساله کارزنان، مساله فضا و غیره از این زمره اند. بررسی روندهای گذشته نشان می‌دهد که "ولایت فقیه" کاملاً به‌کارگرفته شده است و موانع از سر راه رشد سرمایه‌داری خمینی از نظر شکل سیاسی کاملاً مپیشتر با انگلیس "ولایت فقیه" انطباق یافت. در طول سالهای پس از انقلاب روحانیون قدرت سیاسی را به شکل مطلوب خود سازمان دادند و امروز بیش از هر زمان خود را برخوردار از سوار می‌بینند. در همین شرایط که از یک سو سرمایه‌داری وابسته بهترین موقعیت را نسبت به همه سالهای پس از انقلاب کسب کرده و بیشترین امکان را برای رشد در اختیار گرفته است و از سوی دیگر روحانیون هم قدرت سیاسی را قبضه کرده و بیش از همیشه به انگلیس "ولایت فقیه" نزدیک شده اند. می‌توان شدیدترین تضاد بین این دو روبروی سیاسی و محتوای اقتصادی جمهوری اسلامی مشاهده کرد. تضاد کسبه نمی‌تواند با بستن کشاکش و درگیری در سمت سازمان‌دهی و به تبعاً مطابق با شرایط زایر بین آنها باشد.

رویدادهای جاری بسیار موثر است و با پدید آمدن قدرت سیاسی، خمینی با برخورد و بیجا راست، اینکه وی به مرگ طبیعی درگذرد و دولت است که مدام امکان آن را بیشتر می‌شود. هم اطلاعات تیز و چنگی و هم کشاکش و کنش‌های درون مجلس خبرگان و دیگر مراکز قدرت در این جهت دلایلی به دست می‌دهد. گرچه کسی نمی‌تواند برای روزمرگی خمینی تاریخ تعیین کند اما با بدحساب کسب کسب که در پیرامون او خواهد مرد و باید از همین امروز خود را تا سرحد ممکن برای رویارویی با شرایط پس از خمینی آماده کند.

برخورد صحیح با مجموع مسائل فوق نخست بدان نیاز دارد که ما شناختی واقعی از توان و تاثیر خمینی در حکومت داشته باشیم. امروز خمینی همسره جمهوری اسلامی نیست و توان و تاثیر او در حکومت نسبت به گذشته کاهش یافته است. اما وی همچنان از دیگر سران رژیم نیرومندتر و همه آنها بسیار موثرتر است. در واقع تا خمینی در حرکت و سرنویشت رژیم، به دلایل مختلف، بخصوص به دلیل موقعیت منحصر بفردی که وی در جریان براندازی رژیم شاه و بینندگان گذار جمهوری اسلامی کسب کرده است بکلی با دیگر افراد جمهوری اسلامی متفاوت است.

خمینی در پناه پیکار رتوده‌ها به ریاست رسیده و هنوز هم تا حدی از موقعیت آن روز خود برای حفظ ریاست امروز خود استفاده می‌کند. اما کسب کسب که در پناه خمینی امروز، خمینی خونریز و دشمن مردم به‌گرسبایی ریاست جنگ می‌کند از زمان با کسب کسب می‌توانستند خودشان را به مردم به تاریخ انقلاب ببندند؟ تا شریخمینی به عنوان عامل سازش دهنده و متحذکننده روحانیون حاکم امروز نیز سرمایه‌داری است. طی سالهای اخیر موارذیادای پیش آمده است که اگر خمینی وجود نمی‌داشت کشاکشهای درون هیات حاکمه رژیم را به سوی تلاشی می‌گشادند. نقش خمینی در همه اینها کاملاً به هم دست‌بندیهای حکومتی با سمت گیری ارتجاعی رژیم، نقش وی در "دوسو" استفاده از سواد ممکن از آنجا که او اعتماد دیکتور و رهبری از نیروهای مردم‌امکان‌ناست‌ها به عنوان "امام" برای مهار دیگر مراجع و معامله و زدوبند با آنها بکلی بی‌تأثیر است. بنا بر این ما بطور قطع می‌توانیم بگوییم که جمهوری اسلامی با مرگ خمینی رهبر و موثرترین و توانمندترین مدافع خود را از دست می‌دهد. بطور جدی تضعیف می‌شود و عامل نیرومند تازهای برای از هم گسیختگی آن وارد میدان می‌شوند. مرگ خمینی مرگ رژیم اورا نیز بکثرت می‌کند. حداکثر آن است که "رویدادهای پس از مرگ وی به فراوانی در موقعیت انقلابی بیجا نمودار خواهد بود. بحران موجود رژیم شدت بیشتری بگیرد و مجموع شرایط مرحله جدیدی از تعرض انقلابی علیه رژیم حاکم را پیش روی ما بگذارد.

برخی مسائل مورد تاکید در سرتوکین اوضاع

بحران رژیم به دلیل مجموع مسائلی که شرحیم در چشم انداز بلافصل روبرو گسترش دارد. این امکان منتفی نیست که در برخی عرصه‌ها افت موقت پیش آید، اما روندهای جاری امکان تخفیف کل بحران را نمی‌کند. امروز نمی‌توان گفت که همین بحران در افق لحظه معین مساله و از گونی رژیم و انتقال قدرت سیاسی را پیش می‌آورد. اما قطعی است که تداوم و تشدید شدن بحران رژیم استبدادی و ارتجاعی را بگونه‌ای شنا بگیرد تا توان و فرسوده می‌کند و به سوی نابودی می‌گشاند. پس امکان مطرح شدن مساله انتقال قدرت سیاسی در همین روند نمی‌تواند یک امکان جدی و واقعی باشد.

افزون بر این باید در تریسیم چشم انداز امکان وقوع رویدادهای پیش‌بینی شده‌ای را محاسبه کنیم که هر چند جنبش انقلابی، تلاشهای اپوزیسیون ارتجاعی و لیبرال و نیز مرگ خمینی زمینه‌های جدی برای آن فراهم می‌سازد. این رویدادهای در مجموع به سوزندگی تشنگان لحظه تعیین سرنوشت اثر می‌گذارد. جنبش توده‌ای که فشار اصلی را بر رژیم وارد آورد و توان و قدرت و امید نیروهای انقلابی است، به‌گونه‌ای همه رویدادهای سال گذشته هم از نظر شمار رنجبران شرکت‌کننده در آن، هم از نظر سطح و میزان خواستها و هم از نظر اشکال و شیوه‌های مبارزه با شتاب گسترش می‌یابد.

در قطعات ما بلیتوم همراهم کمیته مرکزی سازمان ما گفته شد: "جنبش توده‌ای در وضعیت فعلی خصلت مطالباتی و اعتراضی دارد" در پناه قطعات ما جنبش توده‌ای تا کسب کسب که در وضعیت کنونی جنبش کارگری رشد یافته‌ترین بخش جنبش مطالباتی و اعتراضی خلق است. این وضعیت فرخنده زمینه را برای گسترش تاثیر و نفوذ پیش‌بینی طبقه کارگر هموار می‌سازد.

بلیتوم کمیته مرکزی ما به این واقعیت مهم توجه کرده است که جنبه سیاسی مبارزات توده‌ها نیرومند است و به سرعت رشد می‌یابد. در گزارش‌های سیاسی به بلیتوم گفته شد: "این مبارزه گرچه پراکنده و عموماً موضعی است، اما مسأله متخاصمانه سیاسی در می‌بیند و دارای جهت گیری سیاسی معین در مخالفت با سمت گیری و سیاست رژیم است".

انها بدستور کرده است توده‌های کشور پس از طی یک دور از مبارزه اقتصادی و منفی و آگاهی سیاسی دست می‌بندد و به مبارزه سیاسی روی می‌آورند. توده‌های کشور با یک انقلاب را تجربه کردند. قلب توده‌های شرکت‌کننده در انقلاب هنوز هم ضربه "طبیعی" نیاخته است. این توده‌ها شدیداً فکری سیاسی دارند و در یک محیط عمیقاً سیاسی کار روزگاری می‌کنند. آنها کار و کارنامه رژیم را تنها در رابطه با این با آن خواست اقتصاد محدود خود ارزیابی نمی‌کنند، آنها خواه ناخواه این رژیم را با رژیم منقرض گذشته، با رژیم موجود خمینی در گمراهی انقلاب، با آنچه که خودشان آن را دانستند و با آرزوهای امروز خود مقایسه می‌کنند و به نتایج سیاسی معین می‌رسند. مردم هر روز در کارخانه و اداره، در مطبوعات، در دانشگاه‌ها، خانه‌های بی‌بهره‌ها

جستجوی کار، در پیش درهای آهنین زندانها و در هزار جای دیگر مستقیماً رژیم را به محاکمه می‌کشند. مردم حساب رژیم را از مسایل و مشکلات جزئی نیز جدا نمی‌کنند. بنا بر این نه تنها در مبارزه اقتصادی توده‌ها عنصر شده یا بنده سیاسی قویا وجود دارد. نه تنها در رابطه با مسائلی مثل جنگ گران، ناامنی، شغلی و اجتماعی و خفقان و خونریزی مردم صدای اعتراض خود را بلند می‌کنند بلکه امروز مشخصاً گرایش به سازمان‌دهی سیاسی اپوزیسیون در میان توده‌ها روبه رشد است. این روند در تداوم خود زمینه را برای تجهیز توده‌ها به رهبری سیاسی فراهم می‌سازد.

آیا روندهای فوق تضمین می‌کند که مطلقاً سازمان‌دهی انقلابی در اسب مبارزات مردم قرار بگیرد؟ به این پرسش هرگز نمی‌توان به‌سادگی و با خوش خیالی پاسخ داد. تنها کافی نیست که توده‌ها علیه ارتجاع به نبرد برخیزند و فوهران بر آوردن خواسته‌هایشان بشوند. سازمان‌دهی انقلابی نیز با بدست آوردن قدم به قدم پیش‌پیش توده‌ها نیز مندرجاً توده‌ها را سازمان‌دهی در دهنده رهبری کنند. اگر پیش‌انگ انقلابی در برنجند و جریانی را ست و ارتجاعی می‌توانند آسیبهایی جدی به جنبش بزنند و حتی رویدادهای به سود خود دست دهند. پیش‌انگ انقلابی همین امروز با بدبختی تمام امکان‌ها در حین حاضر شده و همین امروز خود را برای انجام وظایف فردا آماده کند. تا شریبسیج پیش‌بینی توده‌ها توسط خمینی و روحانیون که بیایا مدهای آن هنوز از میان نرفته است - تلاشی مسموم، مفرقه افکنانه و سرکوبگرانه رژیم علیه سازمان‌دهی انقلابی، پراکندگی و ضعف نسبی سازمان‌دهی انقلابی و مردمی و تا شریک‌ها لیت و تبلیغات اپوزیسیون ارتجاعی همه و همه در راه سازمان‌دهی توده‌ها و تجهیز آنان به رهبری انقلابی دشواریهایی پدید می‌آورد که با بدبختی و با پیگیری بر آنها غلبه کنیم. فوهر لیت اپوزیسیون سلطنت طلب و لیبرال بر بی‌تربیتی اوضاع امروز و چشم انداز بلافصل می‌افزاید. هیچ نیروی انقلابی شیار نمی‌تواند این نظر حساب کند که قدرت سیاسی قطعاً از رژیم حاکم به نیروهای مردمی منتقل می‌شود. با بدحساب کسب کسب اپوزیسیون ارتجاعی و راست با پشتیبانی نسبی امپریالیست‌ها از امکان‌های برخورد راست و نیروهای ملی - دموکراتیک با بد خشی کردن تلاشی از آنرا جزء تفکیک تا پذیری از پیکار خود برای کسب قدرت سیاسی محسوب می‌کنند.

کانون رهبری اپوزیسیون سلطنت طلب که بطور رسمی پسر شاه منقرض در اسب آن است و جنبش را می‌بیند دویا اصلی آن هستند در خارج از ایران است. امپریالیسم غیرمعمول کوشش برای سازش با جمهوری اسلامی و باز پس گیری مواضع خود از این طریق با دقت تمام شاه‌خواهان را برای می‌رسا ندو مساله نگی می‌دارد. این دارودسته تنها منتظر حوادث نشسته اند. آنها برای دستیابی به قدرت سیاسی نقشه دارند و برای گسترش نفوذ و تحکیم موقعیت خود به تلاشهای همه جا شده‌ای دست می‌زنند. بویژه می‌کوشند از طریق مقایسه اوضاع کنونی کشور با اوضاع پیش از انقلاب و تا کید بر خونریزیها و تشنگا ریهایی خمینی مردم را به سود خود تحت تاثیر قرار دهند.

اپوزیسیون لیبرال که با عیبه آن نهضت آزادی و همفکران با زرگسان هستند و سازمان‌دهی از روحانیون ناراضی از جمله چندتن از "مراجع" بان‌همراهی می‌کنند و جنبه دیگری علیه رژیم گشوده است.

کانون رهبری بنا بر دزدان و چسبیده به رژیم است و در درون حکومت نیز نیرو دارند. امثال بنی صدر نیز در سبک همین اپوزیسیون هستند و به تا کتیکهای آن گرایش می‌یابند. مبارزه در راه افشاء و خنثی کردن لیبرال‌ها نیز با شدت تحت اشاع مبارزه با شاه پرستان قرار گیرد و با بدحسابی خود را آتشده باشد. هر یک از این دارودسته‌ها امکان‌ها تا خاص خود را دارند و به شیوه‌های خاصی برای تسخیر قدرت تلاش می‌کنند که با بدحسابی مورد توجه قرار گیرد.

همین امروز، هم سلطنت طلبان و هم لیبرال‌های داخلی حمایت لحظه‌ها را تشخیص داده و تلاشهای تازه را آغاز کرده‌اند. سلطنت طلبان جمع شدند و سوگند خوردند که حتماً خودشان قدرت را به دست آورند و مشغول یک رشته تبلیغات سیاسی و تدارکات عملی تازه شدند. لیبرال‌ها نیز هجوم تبلیغاتی علیه رژیم را آغاز کرده و مشغول تدارک وسیع زیر علم شرکت در انتخابات ریاست جمهوری شدند.



سازمان‌دهی انقلابی و مردمی برای اینکه بتوانند هم امروز هم فردا تحولات و حوادث پیش‌بینی شده را به سود خود دست دهند و قدرت سیاسی را از آن خود کنند، قبل از هر چیز با بدبختی تمام توان به حل دوساله بنیادین، یعنی تا مین اتحاد سازمان‌دهی انقلابی و مردمی و تا مین پیوند فرورآنها با جنبش با لفعل توده‌ها به برداشتن زنده، در غیر این صورت نه تنها سرنوشت قدرت سیاسی آینه‌بدر خطرناکی به دست خواهد سپرد، بلکه تا حد خطرناکی نیز دست ارتجاع در بازی با این حوادث بازمی‌ماند.

امپریالیسم و ارتجاع غالب و مغلوب عمده نیروی خود را نقطه سبزه‌ها اپوزیسیون مردمی متحرک کرده‌اند. همه دارودسته‌ها در مزج آنجا که سخن از برآوردن و تا بود کردن نیروهای ترقیخواه است از زو و تلاش هم‌سویی دارند. بویژه با بدبختی کرده که نسبتاً با اوضاع تلاش امپریالیست‌ها، سلطنت طلبان و اپوزیسیون لیبرال در میان دانند به تفرقه در بین نیروهای ترقیخواه و تضعیف حداکثر آنها به قصد جلوگیری از مطرح شدن یک آلترناتیو مردمی بسیار افزایش می‌یابد.

ما به استکباران تجزیه در جهان و در کشور خودمان می‌توانیم پیش‌بینی کنیم چنانچه تخت خلافت خمینی را جنبش انقلابی بلرزه در آورد و جنبه نیروهای خلق به صورت آلترناتیو قطعی رژیم به میدان کارزار نهد، ارتجاع غالب و مغلوب به کمک هزاران رشته طبیعی ناشی از منافع طبقاتی مشترکان و با وساطت امپریالیست‌ها، بطور آشکارا نشان و دست‌کم در عمل قوای خود را علیه مردم متحد می‌کنند. امپریالیسم می‌کوشد از تشدید بحران درونی رژیم هم برای تطبیق کامل آن با مواضع خود و هم برای جانشین کردن دوست‌سازان مطیع تر خود بهره‌گیرد. اما اگر معلوم شود برنده بحران و مرکز رژیم جمهوری اسلامی مردم ایران هستند قطعی است که حفظ رژیم حاکم به بهترین مساله آمریکا و متحدینش تبدیل می‌شود. در حالیکه ارتجاع غالب و مغلوب آماده‌اند برای مقابله با ما اینگونه کنار می‌ایند ما برای مقابله با آنها هزار بار بیشتر با بدبختی تا در کنار هم قرار بگیریم.

مروزه تنها نیروی متحد سازمان‌دهی ترقی در خدمت هدف فوق نیست، بلکه بخش تنظیمی از نیروی آنان صرف بدانان کردن و منوی کردن یکدیگر و پراکندن تخم بدبینی و یاس در میان توده‌ها می‌شود. قطع بیدارنگ این فاجعه و آغاز بیدارنگ موثرترین کوششها برای گسترش اتحاد داعم در میان سازمان‌دهی مردمی متحرک در آنها در یک جبهه توانا و وظیفه‌ستیز اپوزیسیون مردمی برای گسترش امکان‌ها تحت خویش در سمت گرفتن قدرت سیاسی است. وظیفه فوری جنبش انقلابی این است که مجموع نیروی با لفعل خود را گرد آورده و آماده نگه‌دارد، در هر لحظه چگونگی به میدان کشیدن این نیروها را دقیقاً بسنجد و آماده باشد تا در حین ترین لحظه حداکثر توان را متحدانه به میدان بکشد و سرنوشت سیر در راه سود خود تعیین کند.

پیرامون اختلافات سازمان مجاهدین خلق ایران و حزب دموکرات کردستان ایران

اخبار در نشریات سازمان مجاهدین خلق و حزب دموکرات کردستان منطقی پیرامون با لاکرنتسن برخی اختلافها بین طرفین درج شده است که بسیار مایه تاسف است. بویژه در شرایط حساس و بیخبر کنونی که در عین حال با جداگشتن دشمنان برای ایجاد تفرقه در صفوف نیروهای مردمی همراه است، چنین کشاکشی مسلمانان را متفرقه و متفکک می‌کند. چرا که امروز دشمنان ما، هم ارتجاع غالب و هم ارتجاع مغلوب برای اینکه اوضاع را به سود خود سمت بدهند، بییش از هر زمان دیگر به تفرقه و گسترش عداوتها بین نیروهای انقلابی امید بسته‌اند و به آن‌ها زنده هستند. دشمنان ما حتی تلاش می‌کنند تا انقلاب را با تفرقه آتش اختلافات راداد من زنده و آنرا زرفتر سازند. چرا که موجودیت خود را در برابر اتحاد نیروها با یکدیگر و مردم و نیز حمایت گسترده نیروهای صلح دوست و آزادیخواه جهان از آن‌ها در خطر می‌بینند. ایده آل و رژیم این است که نیروهای انقلابی را از یکدیگر جدا کند و آن‌ها را جدا جدا آماج حمله قرار دهد.

واقعیت کنونی کشور، امپریالیسم را به فکر تدارک مقابله با چرخش اوضاع به سود نیروهای انقلاب انداخته است. امپریالیسم نیز به تلافی می‌کند که اگر حکومت در خطر سقوط قرار گرفت، یک آلترونا نبود مگر تکیه قدرت را به دست نگیسرد. به جای ارتجاعی که سرنگون می‌شود، ارتجاع دیگری به قدرت دست یابد.

تجربه مبارزات مردم ما، تجربه بزرگ انقلاب بهمین می‌آموزد که از تفرقه بین نیروهای ملی و دموکراتیک جزا امپریالیسم و ارتجاع سود می‌برد، از مردم و کشوریان نمی‌بینند، تفرقه نیروها و عدم اتحاد آنها در دریک جبهه واحد به مرتجعین حاکم امکان داده و راه تکستراتها، انقلاب تحمیل کنند و دستاوردهای آن را تاراج کنند. اکنون نیز اتحاد نیروها، تنگنای واقعی نجات مردم و کشور از غلظت جنگ، از چنگال خونین استبداد دزدانه و ارتجاع است.

پلنوم هم‌راه ۶۳ کمیته مرکزی سازمان ما همس نیروهای ملی و دموکراتیک ایران را به گسترش همکاری و اتحاد عمل و تشکیل جبهه گسترده فدرالی می‌خواند. جبهه متحد خلق ما من بهیروزی خلق بیسرت ارتجاع و امپریالیسم است. وظیفه و مسئولیت تاریخی نیروها حکم می‌کند که بر بنیاد مشترک تکیه کنند و برای گسترش مناسبات سالم و سازنده و برقراری و تحکیم اتحاد بکوشند.

توطئه‌ها و تحرکات کومله در کردستان

در شرایطی که رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق با تمام نیرو و کاردستان را می‌کوبند و سرکوبگران رژیم خون خلق کرد را می‌ریزند، افراد مسلح کومله در اوایل بهمن ماه در منطقه اورامان کردستان به پایگاههای حزب دمکرات کردستان ایران - بیوش برده و عده‌ای از دمکراتها را کشتند. در جریان این درگیری بنیاد غلامیه حزب دمکرات و کومله ده نفر از حزب دمکرات و ۱۲ نفر از کومله کشته شدند. ۹ نفر دیگر هم بعداً به دست افراد کومله تیرباران شدند. بعد از این درگیری نمایندگان کومله در خارج از کشور اعلامیه‌ای صادر کرده و گفتند که "کمیته اورامان کومله مسئولیت شروع این نبرد را پذیرفته است. کومله برای توجیه این عمل خود می‌گوید بیوش آنها به حزب دمکرات "جزیی از مبارزه پرولتاریای انقلابی" کرده‌اند و مسئولیت شروع آن را بر عهده کومله و عملیات نظامی آن علیه حزب دمکرات، آنهم در شرایطی که رژیم بیشترین تلاش را برای نابودی جنبش ملی خلق کرده‌اند و امپریالیسم و ارتجاع با هزار دسیسه می‌کوشند به جنبش انقلابی ضربه آورند و دست و پایی از آن نشان می‌دهد. ما زمان ما علیه امخلاف نظریه‌هایی که بین ما و حزب دمکرات وجود دارد، توطئه‌ها و تحرکات کومله در کردستان را محکوم می‌کنند. برنا ما اعلام شده کومله دشمنی کین توزانه و مذبحوخته‌ها کمیته‌های ایران و تفرقه در جنبش ملی خلق کرد است. شک نیست که روشها و اقدامات کومله نیسباً زجسندی امپریالیسم و ارتجاع را برآورده می‌کند و مسلمانا سود منافع آنان را در بر دارد. امثال کومله در همه جای دنیا، پول پوتی‌های کامبوج و ما ثویستهای آنکولوا افغانستان مسورد حمايت همه جا شبه علنی و رسمی امپریالیسم و ارتجاع قرار دارند. تلاشهای مذبحوخته و مسخره کومله تحت عنوان "حزب کمونیست" تنها می‌تواند به با تلاق رسوایی و خیانت راه برده، این گروه بهمان آن اندازه را تلاق می‌کند که مسدال "پرولتری" به سینه بزند و خود را "پیشاهنگ" دفاع از حقوق ملی خلق کرد معرفی کند، بیشتر به رسوایی خویش دامن می‌زند.

پیروزی میهن پرستان و شکست صهیونیستها در لبنان

جنبش مقاومت ملی مردم لبنان در اواخر سال ۱۳۵۸ قرا در استنکین اسرائیل - لبنان و بیرون راندن تفنگداران دریایی آمریکا از خاک لبنان - به موفقیت‌های با زهم جدید دست یافت. دولت صهیونیستی اسرائیل بر اثر نبرد با نیا زانه میهن پرستان لبنان مجبور شد نیروهای خود را از مستطاد رود ولی و شهر میدا عقب بکشد. به دنبال این عقب نشینی، گابینه دولت اسرائیل طرح‌ها را تصویب نمود که به موجب آن خروج قوای تاجا و زکرا اسرائیل از دره بقیاع شروع خواهد شد.

عقب نشینی محدود اسرائیل با ردیگر نشان داد که دولت ریگان در رژیم صهیونیستی با تاجا و زبه خاک لبنان و کشتار وسیع مردم بیگناه آن نمانده به اهداف خود برسد. مقاومت سرخستان مردم لبنان علیه اشغالگران اسرائیلی و تاشیرات فاجعه بار جنگ بروضع داخلی اسرائیل، ایستادگی دولت سوریه و حمایت بین المللی از میهن پرستان لبنان، صهیونیستها را مجبور به پذیرش شکست نمود. ولی در عین حال دولت تاجا و زکرا اسرائیل اعلام کرده است که هر موقع لازم بداند نیروهای نظامی خود را به خاک لبنان نخواهد فرستاد. شیمون پرنزخت وزیر اسرائیل گفته است که دولت اسرائیل مناطق همجوار اسرائیل در جنوب لبنان را کامکان بنسوان "منطقه امنیتی" خود تلقی نموده و تنها به واحدهای شبه نظامیان مزدور انتوان لحد اجازه خواهد داد که در این مناطق استقرار یابند. حزب کمونیست اسرائیل اعلام نمود با این تصمیم عملاتوری به عرض ۴۰ کیلومتری از خاک لبنان در همچنان تحت کنترل ارتش اسرائیل و همدستان وی باقی خواهد ماند.

دولت صهیونیستی اسرائیل بعد از عقب نشینی از شهر میدا بر تاجا و ز و خوشبختیها خود علیه مردم لبنان افزوده است. اشغالگران مرشباروستا های جنوب لبنان را با بمباران کرده و مردم بیگناه را وسعاً دستگیر و عدام می‌کنند، با هلیکوپتر به ما شنیهای که در جا درها در حرکت هاندند حمل می‌کنند، به دهقانانی که در کشتزارها مشغولند شلیک می‌کنند و با بمب گذاری در مساجد و کلیساها مردم بیگناه را به خاک و خون می‌کشند.

با وجود جنایات اسرائیل، میهن پرستان به بیگانه‌ها نشان داده خود داده‌اند که می‌دهند تا نیروهای اشغالگران را به عقب نشینی کامل و بدون قید و شرط از لبنان مجبور سازند.

صحنه‌سازیهای رسوای دیکتاتور پاکستان

ضیاء الحق دیکتاتور پاکستان در اوایل اسفند ماه از انتخابات فرمایشی برای تعیین نمایندگان مجلس ملی ترتیب داد و او را می‌نمایندگان مورد نظر خود را از صندوقهای رای بیرون آورد. در چند ماه اخیر این دومین انتخاباتی که کذایی دیکتاتور پاکستان است. در آرمه گذشته ضیاء الحق مردم پاکستان را مجبور کرده به سیاست دولت مبتنی بر مذهبی کردن حیات اجتماعی رای بدهند و مردم رای ندادند. اما او رای لازم را از صندوقها بیرون کشیده و آنرا بمعنای تجدید اختیار خود برای پنج ساله دیگر بعنوان رئیس جمهوری به حساب آورد.

انتخاباتی که نمایندگان مجلس ملی همانند انتخابات قبلی در شرایطی برگزار شد که رژیم رتجایی ضیاء الحق بسیاری از رهبران "جنبش احیای دمکراسی" را بازداشت کرده و آنان را به پای میز محاکمه کشید و کنترل رای گیری را به دست ارتش و پلیس سپرد. این ارگانهای سرکوب به شیوه‌های مختلف کوشیدند مردم را وادار کنند که به فرامورد نظرای بدهند.

دیکتاتور پاکستان بعد از انتخابات مجلس ملی بطوریکه جنبه تغییراتی را در قانون اساسی اعلام نمود که به موجب آن حیطة قدرت رئیس جمهور فوق العاده افزایش یافته و در مقابل هیچ ارگان نسی یا سخونخواهد بود و هر موقع اراده کند می‌تواند با صلاح "مجلس ملی" را منحل و انتخابات جدید برگزار کند.

جنبش احیای دمکراسی "که هم اکنون بسازده حزب در آن متحد شده اند هر دو فراتر از تحریم کرد. بلافاصله بعد از انتخابات اول تظاهرات اعتراضی وسیعی در لاهور انجام گرفت و به سراگوش گسترش یافت و با ردیگریا به های حکومت نظامی را بلرزه در آورد. مردم پاکستان خواستار برکناری دیکتاتور سرسپرده آمریکا، و تأمین آزادی و حقوق دموکراتیک خود هستند.

منتشر شد

به حاکمیت ارتجاع پایان دهیم
روح مبارک
میرزا علی محمد
میرزا علی محمد
میرزا علی محمد

موافقت نامه امان محکوم است

در بهمن ماه در امان پایتخت اردن موافقت نامه‌ای شرکت ملک حسین امضاء شد که مطابق آن با سیس کنفرا نسی از نمایندگان کشورهای آمریکا، اسرائیل، مصر، اردن و فلسطین برای حل مسأله فلسطین تشکیل گردد.

این موافقتنامه که در چارچوب طرح ریگان برای حل مسأله خاورمیانه و طرح تشکیل کنفدراسیونی از اردن و فلسطین تحت تأیید ملک حسین قرار داد ربا استقبال آمریکا و دولتهای مرتجع عربی مواجه گشت. حسنی مبارک برای مقبول تر کردن موافقتنامه ساز فلسطین از شرکت مستقل در کنفرانس مذکور خودداری کرده و به تشکیل هیات مشترک اردنی - فلسطینی تن در دهد.

موافقتنامه امان در راستای اهداف امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه می‌باشد، دولت ریگان مدتهاست تلاش می‌کند که آرمای مقدس مردم فلسطین برای تشکیل یک کشور مستقل رانا بود کرده و به تفرقه و پراکنندگی بین کشورهای عربی دامن زند و بر اساس طرح کبب دیوید، کشورهای عربی را مجبور سازد که همانند مصر مذاکره جداگانه و سازش با اسرائیل تاجا و زکرا بپذیرند. این موافقتنامه حق ایجاد کشور مستقل فلسطینی را با پمال کرده و بهر موافقتنامه‌های ملی فلسطین و قطعنامه‌های رهبران کشورهای عربی خط بطلان می‌کشد. موافقتنامه امان مذاکره جداگانه را دنبال کرده و عقب نشینی مشخصی از اصول تشکیل کنفدراسیون بین المللی برای حل مسأله اعراب و اسرائیل می‌باشد. این موافقتنامه که به منافع خلق عرب و آرمای مردم فلسطین مغایرت دارد با اعتراض نیروهای انقلابی مواجه گشته است. نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری کشورهای عربی در ده ماهی خود در دمشق بیانیه‌ای صادر کرده و تا طمانه موافقتنامه امان را رد نموده اند و آنرا بعنوان "سنسند آمریکایی" قلمداد کرده‌اند.

نیروهای مترقی انقلابی کشورهای عربی و جهان از انعقاد موافقتنامه امان عمیقاً متاسف هستند و اعتقاد دارند که تنها با خروج سربازان اسرائیل از تمام سرزمینهای اشغالی اعراب و وشتا با یسی حق مردم فلسطین برای تشکیل کشور مستقل، شرایط دستیابی به صلح عادلانه و پایدار در منطقه فراهم خواهد شد. برای رسیدن به این هدف قبل از هر چیزی می‌بایست کنفرانس بین المللی متشکل از نمایندگان کشورهای ذینفع تشکیل گردد. انجام مذاکرات جداگانه، پشت پا زدن به منافع اعراب و مردم فلسطین و تحقق اهداف آمریکا و اسرائیل می‌باشند.

کار سازمان کارگران در شرایط کنونی

واجا دسا زمانهای مستقل کارگران و سازمانتهای دمکراتیک نقش بیسته ایفا کرد. با بدو واحدهای مستقل از هر مکان فعالیت علنی که به سود جنبش انقلابی سازمان با تدبیر گیرند. در مساجد و اجتماعات مردم بطور مستقیم و غیر مستقیم شرکت جویند. می‌توان با بیدار تشکلهای موجود نمود. این نمود می‌تواند با تشبیه تشبیه بلاواسطه اتحادیه مستقل و یا پیشبرد تشبیه‌ها و سیاستهای سازمان در این تشکلهای انجام گیرد. واحدهای مستقل می‌توانند با شیوه‌های مختلف نظرات معینی را در این تشکلهای طرح و پیش ببرند. برقراری تماس مستقیم و غیر مستقیم با قائلین این تشکلهای و تشبیه مداوم آنها با اخبار، اطلاعات لازم، تلاش برای انتخاب عیاصر صالح تر در ارگانهای رهبری آنها و اعمال فشار از بیابین به رهبری تشکلهای از جمله اقداماتی است که انجام آنها را واحدهای مستقل باید در دستور کار خود قرار دهند.

رفقاری ما باید در همه تشکلهای توده‌ای مرفظس از عملکرد آنها فعالانه شرکت کنند و بکوشند که این تشکلهای را به امالی موثر در مبارزات توده‌ها تبدیل کنند. رفقا می‌بایست به فراهم آوردن زمینه‌ها و ایجاد تشکلهای واقعی توده‌ها بویژه کارگران باری رسانند تا تقوی بزرگ جنبش توده‌ای که پراکندگی و عدم تشکل است رفع گردد.

واحدهای مستقل می‌بایست اصول چهارگان را فرا گیرند و در برابر تشکلهای انقلابی بکار بندند. تنها با کار بست این اصول سازمانی است که می‌توان تشکلهای مستقل مستحکم و منسجم بوجود آورد. از آسیب پذیری آن کاست و هر چه فعالانه تر به انجام وظایف انقلابی پرداخت.

در شرایط کنونی "کار" هر یک از این اصول بطور مشخص تر و مشروح تر بر متن فعالیت انقلابی جاری بررسی خواهد شد.

پیام شادباش احزاب برادر

بقیه از صفحه ۱۲

در پی پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان آمده است: ما حملات ننگین و جنايتكارانه به اعضای حزب توده ایران و سازمان شما و به همکاران شما در ایران را شدیداً محکوم می‌کنیم. ما می‌دانیم که مبارزه شما برای هدف، عادلانه است، برای ایرانی مستقل و متعهد به پیشرفت دمکراتیک اجتماعی.

امروز جنبش جهانی همبستگی با دمکراتهای ایرانی تحت پیگرد و یورش در جریان است. حزب کمونیست آلمان نیز جزئی از این جنبش است. در کمیته‌های بسیاری از اعضای سازمان شما در کنسار رفقای حزب کمونیست آلمان مبارزه کرده‌اند. بگذارید اینک شکر خود را از این بابت ابراز داریم.

در پی پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق آمده است:

کمونیستهای عراق به راهی که سازمان شما برای تأمین خواسته‌های اساسی خلق ایران می‌پیمایید با تقدیر و احترام می‌نگرند. و خرسندی خود را از نقش شجاعانه سازمان شما در مبارزه با کسوف دوشادوش با آلودگی ملی و انقلابی و بیش از همه با حزب توده ایران پیش می‌برید و همچنین نسبت به فداکاریهای بسیار شما در راه اهداف ملی و دمکراتیک خلق ایران ابراز می‌دارند.

در پی پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست اسپانیا آمده است:

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همواره چه در حال و چه در گذشته استواری و ایمان خلل ناپذیر خود را به آینده نشان داده است.

همچنین به نظر ما روند وحدت سازمان شما حزب توده ایران بستوان شرط ضرور برای پیشرفت مبارزه دمکراتیک، با عث تقویت مبارزه انقلابی در کشورتان شده و مالا به سقوط رژیم جمهوری اسلامی شتاب می‌بخشد.

در پی پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست اسپانیا آمده است:

به شما اطمینان می‌دهیم که وظایف همبستگی و همدردی خود را فراموش نکرده و به پیگیری خواسته‌های چون: ایطال فوری احکام اعدام، متوقف کردن شکنجه، آزادی دستگیرشدگان و بطور کلی رفع فشار و اختناق که خلق شما متحمل است، ادامه می‌دهیم.

در پی پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا آمده است:

ما تحولات ایران را از نزدیک دنبال کرده و نسبت به پیچیدگی مبارزات شما آگاهی کامل داریم. ما همچنین با آگاهی از همکاری بین سازمان شما و حزب توده ایران آرزو مندیم که این همکاری شمر بخش بتواند اثرات با زهم بیشتری در رشد و توسعه جنبش توده‌ای میهن شما بسرای تغییرات سیاسی در ایران داشته باشد. ما مایلیم که در آستانه پانزدهمین سال موجودیت شما بتوانیم همکاری خود را با شما منظور تلاش برای سرنگونی رژیم خونخوار ایران و همچنین مبارزه در کشور ما برای صلح و پیشرفتهای اجتماعی گسترش با زهم بیشتری بدیم.

در پی پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی آمده است:

حزب کمونیست آفریقای جنوبی صمیمانه ترین درودهای انقلابی خود را به جشن شما به مناسبت چهاردهمین سالگرد حیات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تقدیم می‌دارد. سازمان شما در کنار متحد خوبش حزب توده ایران در مقطع کنونی مسئولیت سنگینی را در منسکول کردن توده‌های مردم ایران در دفاع از دستاوردهای انقلاب ۱۳۵۹ که با فداکاری بسیار به بار آمده، بر دوش دارد. تاریخ پرافتخار مبارزات گذشته شما برای ما همچون تریبندی در شجاعت، ایثار و پایداری است. نسبت به آماجهای استقلال ملی، سوسیالیسم و آزادی باقی نمی‌گذارد. منافع کارگساران و دهقانان ایرانی که اکثریت مطلق جامعه ایران را تشکیل می‌دهند، در دستهای پرتوان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران با امانت حفظ می‌گردد.

در پی پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست فلپپین آمده است:

کمیته مرکزی حزب کمونیست فلپپین، درودهای انقلابی خود را به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به خاطر چهاردهمین سالگرد بنیان گذاشتن مبارزات می‌دارد. حزب کمونیست فلپپین از نقش خطیر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مبارزه قهرمانانه مردم ایران اطلاع دارد.

ارتجاع بر ضد دانشگاه

وجود دارد.

نا توانی و درماندگی رژیم خمینی در پیشبرد سیاستها و اقدامات تبهکارانه‌اش در دانشگاهها و کشفکهای جدی دست‌بندیهای حکومتی از یک سو و مبارزات دانشجویان از سوی دیگر بر یک سو و کثرتی دانشگاهها است. ارتجاع که با یورش به دانشگاههای کشور قصد داشت این سنگر پرافتخار را زدگی و ترفیق‌خواهی را برای همیشه درهم کوبیده و حیات سیاسی، آموزشی و اداری دانشگاه را در قبضه خود بگیرد، در عمل جز جنایت و تخریب در دانشگاه و سیستم آموزشی قادر به کار دیگری نشد. آنچه که تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" انجام گرفت، چیزی جز شستن کینه‌توزانه چهل برخاسته از گورستان قرون وسطی علیه روشن بینی و حقیقت، علم و فرهنگ و اندیشه مترقی نشناخت با شد.

اینک نیز سردمداران رژیم علیرغم اینکه در برابر ضربات ناگزیر فعالیت دانشگاهی و مبارزه کسرتش با بنده علیه سیاستهای ارتجاعی عیسان چاره‌ای جز تن دادن به راه‌حلهای "غیرمکتبی" لیبرال‌های ریش‌تسبیح در اردرون حکومت نداشتند، همچنان تقلیمی کنند تا دانشگاه را در تنگ جوجه "حوزه‌های علمی" محبوس سازند. ارتجاع حفظ موقعیتش در دانشگاه را یک پای سپهره خویش می‌داند. نگاه به کشفکهای رژیم بر سر دانشگاه‌های ما هائی گذشته، زمانیا تگر شدت تقاضای است که سردمداران ارتجاع برای پیشبرد مقاصد خویش در دانشگاه با آن رو بپروستند. نخست وزیر در کنگره سراسری دانشجویان انجمنهای اسلامی (اطلاعات ۱۲ آبان) در برابر این سوال که "چرا وزیر علوم گفته‌است ما بندگانهای امام در انقلاب فرهنگی قاضونی نیستیم." پاسخ می‌دهد: "این از اختلافات میان ارگانهای سنتی و جدید است". شما بنده منتظری در همین زمینه می‌گوید: "عده‌ای می‌خواهند به جرم مخالفت ستاد با تخصص آنرا به کناری بزنند" (اطلاعات ۸ آذر) و کنگره واجتماعات متعدد دانشجویان انجمنهای اسلامی نیز بی‌دردی و بادلهای پیرامون "جمعیت دانشگاهیه و کمیته سابق" هتداری می‌دهند. بیستم آذر یعنی خمینی را سه حمایت ستاد انقلاب فرهنگی برخاسته و ضمن هتداری که "کسانی خواب رژیم سابق را می‌بینند" و "خط انحرافی می‌خواهند نفوذ کنند، ستاد را با مسئولین سه قوه و تعدادی دیگر از مسئولین طراز اول رژیم ببرد. در نتیجه این اقدام "ستاد" به چیز دیگری بنام "شورای انقلاب فرهنگی" که فقط به دانشگاهها مختص نمی‌شود تبدیل شده و در عمل از محدوده دانشگاه دور می‌شود. لیکن اقدام خمینی که فراموش شده است مخممه "انقلاب فرهنگی" را به نفع ارتجاع چاره کند. اجتماعات و سمینارهای متعددی که با شرکت شما بنده منتظری، ققها، دست اندرکاران انقلاب فرهنگی و دانشجویان انجمنهای اسلامی تشکیل می‌گردد، همچنان با صدور بیانیهای هر چه تندتر و هتداریهای مکرر و نیروهای خود را به بسیج در برابر حرکات موجود در می‌خواهند. آنان در اجتماع اخیر خود (۱۴ اسفند) در مسجد دانشگاه تهران باز تکرار می‌کنند "ما اعلامی کنیم که روند دانشگاه بگوئی است که نه تنها همسوه می‌ای انقلاب اسلامی نیست بلکه خطر رجعت دانشگاه به زمان سابق همچنان

جنبش توده‌هاست

در پی پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (ما رکسیست) آمده است:

برگزاری این سالگرد در زمانی صورت می‌گیرد که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی حقوق دمکراتیک مردم را زیر پا گذاشته و محکومیتهای وحشیانه‌ای را به نام قوانین اسلام بر مردم روا داشته و حقوق انسانی زنان را منکر می‌شوند. در این همه این اقدامات رژیم مستبد تنها جم‌وحشیانه‌ای را بر علیه نیروهای چپ سازمان داده است.

در پی پیام مهبوگانه مرکزی حزب سوسیالیست انقلابی هندوستان آمده است:

خلقهای جهان در راه استقلال، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم و بر علیه ستم و استثمار و بصورت یکپارچه و متحد مبارزه می‌کنند. همه مادر سراسر جهان بخاطر آرمان مشترک، برقرار ای جا معه بیطبقه، آزادی و عدالت در جامعه انسانی مبارزه می‌کنیم. ما در اقصی نقاط جهان در جهت این هدف گام بر می‌داریم، از این رو مبارزه شما، مبارزه ما، و موفقیت و شکست شما، موفقیت و شکست ما، تلقی می‌گردد. به همین سان موفقیت و شکست ما، موفقیت و شکست شما نیز می‌باشد. در این روز تاریخی، من از طرف حزب سوسیالیست انقلابی، همبستگی خود را با شما و رژیم انقلابی‌تان ابراز می‌دارم.

در پی پیام هیئت اجرایی جبهه خلق بحرین آمده است:

رفقای عزیز، توده‌های مردم ایران که از طریق انقلاب توده‌ای خود قویترین رژیم منطقه را مجزوار بر انداختند تجربه زنده‌ای برای ملت‌های عرب ارائه کردند و خدمت بزرگی به خلقهای منطقه نمودند زیرا که با این انقلاب ژاندارم بزرگ امپریالیسم در منطقه بر افتاد. اما امروز در نگاهی به تحولات ایران، در کمال تاسف دیده می‌شود که رهبری رژیم از راه انقلاب منحرف شده و علیه نیروهای سیاسی پیشروی ایران که در سالهای سیاه دیکتاتور فداکاری‌های زیادی کرده بودند و نقش بزرگی در بسیج مردم و برانداختن رژیم شاه داشتند، شمشیر کشیده است.

در پی پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ترکیه آمده است:

رژیم ارتجاعی و استبدادی خمینی نیز مانند رژیم فاشیستی ترکیه، از پراکندگی میان نیروهای کمونیست و انقلابی و دمکرات، و عدم وجود یک آلترناتیو سازمان یافته و قوی، بهره‌مند می‌شود. ما از پیکار سازمان شما در پیان دادن به این پراکندگی که به نفع طبقه کارگر و خلق ایران نیست، پشتیبانی نمی‌کنیم. در این راه همگاری و فعالیت متحدانه و مشترک شما و حزب توده ایران را یک گام مثبت و مهم دانستیم و تشریح می‌گوییم.

ازبورد فدائیان خلق

تبدیلیات انقلابی سازمان علیه حکومت ارتجاعی خمینی روز بروز گسترش بیشتری می یابد. فدا بیان خلق، اعضا و هواداران سازمان به طریقی گوناگون و با ابتکارات انقلابی خود، پیام سازمان را به گوش مردم میهنیان در اقصی نقاط کشوری رسانند و شعارهای انقلابی وسیع گرسازمان را بگوشه های فعال تبلیغ می کنند. رزمندگان فدایی خلق، در همه جا حضور دارند، در کارخانه و مزرعه، در محله و اداره، در مدرسه و دانشگاه و در جبهه و غیره. هر جا توده ها حرکتی و اعتراض علیه رژیم می کنند، فدا بیان خلق به یاری آنها می شتابد و برای سازمان نگری و هدايت مبارزه آنها می کوشد. به جرات می توان گفت که اکنون سازمان ما به لحاظ پختن وسیع نشریه کار و اعلامیه ها و تراکتها در میان تمام نیروهای ترقیخواه کشور جایگاه نخست را دارد. بی سبب نیست که حکام خائن جمهوری اسلامی زوزه می کشند و از حضور فعال سازمان مایلر مبارزات توده ها بخود می پیچند.

در زیر گوشه ای از فعالیت های تبلیغی رفقای بیان را برای آگاهی خوانندگان اشتراکی در میان:

رفقای محلات گوناگون تهران اخیرا وسیله ساده و بسیار جالبی را برای پختن اعلامیه ها و تراکتها بکار گرفته اند. عملکرد این وسیله ساده که رفقای ما با ابتکار خود آرا می سازند بدینگونه است که با رها شدن یک فنربوسیله یک نخ یا تندی ماده شیمیایی دستهای اعلامیه به هوا پرتاب می شود و توزیع می گردد و نیروهای سرکوبگر را در سنگری میباران تا کام می کنند. هر هفته چندین بار از این وسیله استفاده فداییان خلق بویژه در سطح شهر تهران توسط افرادی می شود که گویان گوش به فدا بیان آن دست به دست می گردد.

مدتی پیش در تقاطع خیابانهای آذربایجان و سلمسیل تهران، از بالای یک آپارتمان تقاطع دیر زبانی اعلامیه و تراکت سازمان پخش شد. تراکتها در پیایر ملج بود و اعلامیه ها هم مقابله گوناگونی داشت. مردم بسیاری از آنها را برداشتند و رفتند. پس از مدتی گشتی ها رسیدند و به صورت مستحرامی با اختتام را محاصره کردند و شروع به گشتن مردم نمودند.

فدا بیان خلق چندی پیش از بالای ساختمان بلندی واقع در خیابان آزادی مقابل دانشکده دامپزشکی، تعداد زیادی تراکت در باره زندانیان سیاسی پخش کردند، عابریین بسیاری از تراکتها را برداشتند. کمیته ای با در این حین رسید و شروع به جمع آوری تراکتها باقی مانده نمودند و پس از مدتی توقف رفتند. آنها حتی از شعارهای سازمانهای انقلابی هراس دارند.

اعلامیه ها و تراکت های سازمان و نگاه روزنامه کار در مقابل دانشگاه مخفیانه توزیع می شود، یکی از دستداران سازمان می گفت هر چند گشتن جلوی دانشگاه با خطر همراه است ولی ارزش دارد، چون آدم بی نیامی ماند، بلاخره یک چیزی از سازمان گیرش می آید. با زنده های آرماء حدود ساعت ۵ بعد از ظهر در مقابل دبیرخانه دانشگاه اعلامیه های فراوانی از جانب گروه های پخش سازمان بطور تقریباً علنی پخش شد. مردم هجوم آوردند و هر کسی دیر جنبه چیزی گیرش نیامد، هر کسی تراکتی و با اعلامیه ای به دست آورد سریعاً از محل دور می شد، غلامه مزدوران کمیته طبق معمول وقتی رسیدند که برای انجام وظیفه شان بدریده بود.

بسیاری از شعارها و اعلامیه های سازمان و اعلامیه های بی با مقابله مطرح شده در "کار" توسط کارگران پیشرو و انقلابی در کارخانجات گوناگون پخش می شود. تاکنون بسیاری از کارگران پیشرو در حین نوشتن شعار رویا چسباندن اعلامیه های سازمان توسط همکاران خود دیده شده اند و با حمایت آنها مواج گردیده اند. مدتی پیش عده ای از کارگران یکی از کارخانه های حومه تهران مشغول نوشتن شعار سازمان در باره طرح بروری دیوار کارخانه خود بودند، گشتی ها فرامی رسند، چنان تعجب می کنند و بهت زده می شوند که امکان هیچ اقدامی را پیدا نمی کنند. تا فدا بیان و تعداد دبیرانش در مقابل کارگران نسبت به آنها چنان آنها را ترسانده بود که دم بر نیار و درند و رفتند. پس از پختن وسیله اعلامیه ها و تراکت های سازمان و سایر نیروهای انقلابی و مترقی در کارخانجات و محیط های کارگری رژیم در پیگیری از کارخانجات و هنگام ورود کارگران به محل کار آنها را با زرسی بدنی می کنند تا با مطلع اوراق مضره همراه خود به کارخانه نیاورند.

یکی دیگر از شیوه های موثر و اجدادی پختن سازمان پخش روزنامه کار در مقابل در کارخانجات در هنگام تعطیل آنهاست. کارخانه ای متعددی حاکی از این است که این امر با استقبال اکثر کارگران مواجه گردیده است. بارها رفقای ما شاهد آن بوده اند

که کارگران به عوامل رژیم که نشریات و اعلامیه ها را با ره می کردند، اعتراض کرده و می گویند "شما تحمل هیچ حرف و صحبتی جز حرف های بی سروته خودتان را ندارید".

در پی نزدیک آرماء ساعت ۴/۵ بعد از ظهر بخشی از مطالب خلاصه شده ساده نشریه کار را در پیش از هزبار برگ توسط کارگران پیشرو یکی از کارخانجات در سه راه آذری پخش گردید و با استقبال کارگران و مردم زحمتمندی که از آنجا عبور می کردند مواجه شد، بخصوص پختن این اوراق توسط رفقای کارگری برای دریافت کنندگان و بیشترندگان آن جالب توجه بود.

به مدتی پیش تعداد زیادی از اعلامیه های سازمان از یکی از طبقات ساختمان پلاسکود تهران پخش شد، استقبال کارگران در برابر داشتن اعلامیه ها کم نظیر بود، بگونه ای که از همام ایجاد شده بود، مردم به یکدیگر می گفتند، "اعلامیه فدایی ها است"، پس از مدتی کمیته ای ها سرسیدند و مردم متفرق ساختند. در همین هنگام یکی از مقامات حکومتی که با اتومبیل ضد کولوله مخصوص از محل عبور می کرد با دیدن جمعیت از مساله خبردار شد و یکی از محافظین خود را برای برداشتن اعلامیه ای که در میان آنها خفای درختی گیر کرده بود به پای درخت فرستاد، این امر هم توجه مردم و هم خنده و تمسخر آنها را برانگیخت.

پخش وسیع اوراق تبلیغاتی سازمان در زونین مسئولان حکومتی را به ستوه آورده است. یکی از مقامات حکومتی زونین اخیراً در مقابل اعتراض سایر مسئولان حکومتی در شهر نسبت به گسترش و وسعت تبلیغات سازمان گفت: "ما خبر داریم که ۹۰٪ اعلامیه های که پخش می شود متعلق به فدا بیان است که بعضی از آنها را جمع می کنند و برای ما می آورند".

در شهرها و ندها و ندها پخش وسیع اعلامیه های سازمان ارگانهای سرکوب رژیم به وحشت افتادند، کمیته ای ها با مطلع منظور خشنی کردن تبلیغات گسترده سازمان که مدتهاست خواب آنها را خفته کرده است، یکی از اعلامیه ها را در شما زخمی شده خوانند و برای تبلیغ علیه فدا بیان خلق آذری تمسخر کردند.

در ما سوله (کیلان) با تلاش انقلابی رفقایمان "کار" بطور وسیعی پخش می شود و هر علاقمندی می تواند نسبتاً حتی به ارگان مرکزی سازمان دست یابد و آنرا مطالعه کند.

پخش تراکت و اعلامیه های سازمان در سینما، هنگامیکه فیلمهای مناسبی نمایش داده می شود ابتکار دیگری است که رفقای ما از آن سود می جویند. طریقی ما برای اخیرا بارها از بانکهای مختلف در هنگام پخش فیلم اعلامیه های سازمان پخش شد و مورد استقبال قرار گرفت. البته ارگانهای سرکوب رژیم بلافاصله واکنش نشان می دهند، سینما را محاصره می کنند و به کنترل و تفتیش و بازرسی می پردازند، هوشیاری رفقایمان خطرات این متفشی می کند.

در تهران محرا بخصوص شهرکند تبلیغات سازمان افزایش چشمگیری یافته است. گزارشی حاکیست که در یک روز شعار سازمان در خیابان اصلی شهر با حروف درشت نوشته شده بود و خوبی جلب توجه می کرد. اعلامیه ها و تراکت های سازمان همه روز در خیابانها و کوچه ها و تلافین و مدارس شهر به چشم می خورد. این اعلامیه ها در بین خانواده های ترکمن دست به دست می شود و به روستا می رود، مسئولان حکومتی در منطقه اخیراً برای گشتی های سیاه و شهرانی جلساتی تشکیل داده اند و چگونگی جلوگیری از گسترش تبلیغات سازمان را با توجه به مسابست منطقه و علاقه و اعتماد خلق ترکمن به فدا بیان خلق مورد بررسی قرار داده اند.

در اراک به دلیل پختن مکرر اعلامیه های فدا بیان خلق در مدارس، سپاه پاسداران و کمیته تاکنون چندین بار اقدام به محاصره مدارس کرده و یک یک دانش آموزان را مورد بازرسی قرار داده است. از جمله این مدارس که حساسیت نیروهای سرکوبگر رژیم را برانگیخته دبیرستان شریعتی اراک است.

مدارس جنوب شهر تهران از تراکتها و اعلامیه های سازمان پر شده است. طول موج اردیو زخمتمکشان و تراکت های چاپی و دستنویسی که همه شعارهای سازمان را تبلیغ می کند خشم مسئولان مدارس بخصوص انجمن اسلامی را برانگیخته است و آنها را بیچاره کرده است حتی توان رفتن بجهه را کنترل کنند.

در پیاهی آباده محله ای در جنوب شهر تهران، به دنبال گسترش چشمگیر تبلیغات سازمان بر تعداد گشتی های شبانه افزوده شده است. شعارهای سازمان در این محله گاه روزها بر دیوارها باقی می ماند، پخش وسیع کار به طریقی گوناگون در این محله زخمتمکشان نشین خشم مزدوران رژیم را برانگیخته است. نوشتن شعارهای سازمان با خطوط درشت در معرض دید همگان، یکی از فعالیت های تبلیغی فدا بیان

خلق در شهرهاست. به دلیل کثرت شعارهای سازمان در سطح شهر تهران رژیم علیه مسمیح و بکارگماری گشتی های خاص و کپیهای پاک کننده شعارها، فسادر نیست و در ترا ۲ روز شعارها را پاک کند.

در اکثر نقاط کشور در پرتو تلاش انقلابی و خستگی ناپذیر و اجدادی اشتراک پختن فدا بیان خلق، دستهای همه نیروهای انقلابی و عمارا کارگرو پیشرو و علاقمند به مطالعه نشریات سازمان ممکن و عمده است. این موفقیت بزرگی است که در شرایط اختناق و استبداد دقرون وسطی می گاه ارتجاع حاکم بر میهن ما مسلط ساخته است. سازمان ما به آن دست یافته است. این امر ما را قادر ساخته است تا در اجرای نقش و وظیفه ما هکارانه و سازمان نگارانه خود گامهای ارزشمند به پیش برداریم. ما این هنوز گامی نیست ما در این راه باید هر روز بر تلاش و کوشش خود بیافزاییم و نواقص کار رو کمبودها را بگونه ای انقلابی از سر راه خود برداریم.

توطئه های پشت پرده برای گرفتن زمینهای دهقانان

چندی پیش آیت الله خادمی طی شکایت نامه ای از ادماء عا جرای او زقا نون اصلاحات ارضی شاه منفرود گله کرده و از شورای نگهبان خواست است تا نظر خود را در باره آن اعلام دارد. شورای نگهبان ارتجاع در پاسخ به این نامه حساب شده که به احتمال زیاد قرار و مدار آن از قبل گذاشته شده بوده است، طی نامه شماره (۱۳۷۱-۱۳۷۲/۴/۲۱) به وزارت کشاورزی ابلاغ کرده که "نظر به اینکه دستورالعمل شماره ۱۲۸/۱/۳۳۱۳ مورخه ۱۳۷۲/۱۲/۲۶ مبنی بر ادامه و استمرار قانون اصلاحات ارضی دوره طاغوت مقایر با موازین شرعی است بریعالقون را به ادارات تابعه اعلام فرمایند".

چنین سندها بی که مهمترین آنها همان "لا یحیه حدودنا لیتولیدی بخش خصوصی" است اشکات می کند که رژیم خمینی فیلیش با دهنده ستان کرده و در تلاش برای احیاء نظام ارباب بورجیستی حسی در فکر پیدا کردن کلاه شرعی برای الفاء اصلاحات ارضی می بندد رژیم وابسته شاه است که در نتیجه چند دهه مبارزات شدید دهقانان به آن رژیم تحمیل شد.

برای حکام خائن جمهوری اسلامی هر چه که به نفع بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران است "شرعی است و هر چه که موافق منافع زخمتمکشان است غیر شرعی" است. واقعیت این است که بسیاری از روحانیون حاکم از قدیم الایام سنگ بزرگ مالکان را به سینه می زدند و از زمین آغا با اقدامات شاه خائن نیز از ارتجاعی ترین موضع مخالفت می کردند. آنها اکنون که خود بر مسند قدرت نشسته اند در مدینه تا از دهقانان زخمتمکشان محروم و انتقام بگیرند و نظام ارباب بورجیستی را به ارتجاعی ترین شکل با سازی کنند. تصمیم و تمایل رژیم در این باره هم از شاه و شورای نگهبان به وزارت کشاورزی و خصوصی میهود است و هم در اقدامات گوناگون دیگر رژیم که بعضی از آنها جنبه قانونی یافته است.

تصویب ماده واحد مربوط به زمینهای موقوفه در او خراسان ۶۲ که مالکیت دهقانان را بر املاک وقفی واگذار شده در سال ۱۳۵۰ به دهقانان صاحب نسق را غیر "قانونی" اعلام کرد. نمونه دیگری از کوشش حکام خائن جمهوری اسلامی برای بازپس گرفتن زمینهای واگذاری در گذشته، از دهقانان کم زمین و خرد مالکان است. در لایحه "مدود شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" رژیم نه تنها مالکیت بزرگ مالکان بر میلیونها هکتار زمینهای با سررا قانونی و تثبیت کرده است و آنان را مجاز ساخته به بهره ایازی که توان داشته باشند و بخوانند زمینهای موات را در اختیار بگیرند و به مالکیت خود در آورند، بلکه این قانون با غیر شرعی دانستن هرگونه تعرض به بزرگ مالکان دست آنها را برای بازپس گرفتن زمینهای دهقانان کم زمین و خسرده مالکین که حتی قبل از انقلاب ما حب زمین شده اند باز گذاشته است.

دست حکام خائن جمهوری اسلامی که مدتها وعده داده اند دهقانان را سردوانند، روز بروز بیشتر برای دهقانان رومی شود. دهقانان زخمتمکشان می دانند که عدم اجرای اصلاحات ارضی و حمایت همه جانبه رژیم از بزرگ مالکان فراری عامل اصلی سیه روزی آنان است. آنها می دانند که مساب اصلی و رشتگی اقتصاد کدکاو روزی ما و نا بودی تولیدات زراعی، درآمد کم، بیکاری و آوارگی میلیونها دهقان محروم از روستاها، حکام جمهوری اسلامی است که بزرگ مالکان را زیر پرتر حمایت خود گرفته اند و دهقانان را شلاق می زندند و زاری می کنند. مبارزه و مقاومت دهقانان زخمتمکشان علیه با زکشت بزرگ مالکان و روستاها، رژیم را وادار ساخته است که اهداف خویش را در باره زمینها و ارباب بورجیستی بطور تمام و کمال و الفاء و فرم ارضی شاه بسا احتیاط و مزبوحانه پیش برد. دهقانان میهن ما علیه این اقدامات فدا دهقانان ارتجاع حاکم مفوف خود را متحدتر می کنند و مبارزه خویش را با شدت بیشتری می گیرند.

از میان گزارشها

اعتصاب کارگران کا رخانه ها نه سازی با اعتراض برای اعتلال انجمن اسلامی

کارگران مبارز و قهرمان کا رخانه ها نه سازی با اعتراض پس از مبارزات طولانی با اتحادیوگانگی خود موفق شدند مسئولین را به اعتلال انجمن اسلامی کا رخانه که نقش خیرچین و ساواکی را در کا رخانه ها داشت و ادارت، این امر همه کارگران و کارکنان این کا رخانه ها را شادمان ساخت. کارگران کا رخانه مزبور مدتی قبل موفق شده بودند مدبرعامل فدکا رگسری و مرتجع کا رخانه را با زحمت و یکپارچگی برکنار سازند. در پی این پیروزی، مقامات استان دست به انتقامجویی زدند و نما یندگان آنها را زندانی کردند. کارگران در محوطه کا رخانه متحصن شدند، سپاه وحشیانه به ضرب و شتم کارگران پرداخت. کارگران استوار ایستادند و مقاومت کردند. از طرفین چند نفر مجروح شدند. رژیم نا امید شد و اجبارا عقب نشست. کارگران با ادا م بارزه خود موفق شدند همکاران زندانی خود را آزاد کنند.

اعتصاب و اعتراض کارگران نسبت به اخراج همکارانشان شدت می گیرد

کارخانه لاستیک و کفش جم - اعتصاب و اعتراض کارگران کا رخانه لاستیک و کفش جم نسبت به اخراج عده ای از کارکنان این مجموعه خاتمه یافت و کارگران موفق شدند با اتحاد دوباره خود همکارانشان را به کار بازگردانند و مدیریت را به عقب نشینی وادارند.

اعتراض کارگران نفت جنوب - کارگران شرکت نفت خوزستان به همراه "کارگران گسترش" (کارگانی که از طرف مرکز گسترش خدمات تولیدی استان خوزستان به شرکت نفت معرفی شده اند) که شرکت نفت با صدور بخشنامه ای بخشی از آنها را اخراج کرده است، به شدت اعتراض نمودند. در پی این تصمیم کارگران گسترش اعتصاب کردند و بر سر کار حاضر نشدند. دیگر کارگران نیز علیرغم فشار مسئولان حاضر نشدند کار آنها را انجام دهند. این وحدت و یکپارچگی کارگران مقامات حکومتی را به وحشت انداخت و رژیم مجبور شد سرینا کارگران اخراجی را بازگرداند.

اخراج کارگران آب و برق خوزستان - اخراج ۲۵۰۰ نفر از کارکنان این بیانی آب و برق خوزستان با اعتراض شدید آنها مواجه گردید. مسئولان در مقابل اعتراض گسترده کارکنان به تکیا پوا فتادند و قبول دادند که اخراج آنها را به کار بازگردانند. کارگران به اداره کار شکایت کردند و اعتراض خود را گسترش دادند. در پی این امر مدیران آب و برق خوزستان ۴۰۰ نفر از کارکنان آهوازی معترض را اخراج قطعی کردند و بقیه از چند روز دیگر آسامی ۴۰۰ نفر دیگر - بعنوان اخراجی قطعی اعلام شد. تعداد دانگسی از کارکنان نیز یکبار دیگر بازگردانده شدند. وضع همین متوال ادا م مدارد و کارکنان به اعتراض خود علیه این تصمیم فدکارگری به طر ق گوناگون ادا م می کنند.

قیم و ادا م تولیدی هم - تولیدکننده برزنت که اخیرا به جای تولید برزنت، برزنت از زیا کستان وارد کرده و می فروشد، اقدام به اخراج کارکنان خود نمود. همچنین کارخانه فیلترا ترق قم نیز به دلیل وارد کردن محصول از خارج - خط تولید خود را تعطیل کرده و یک صد تن از کارکنان خود را اخراج نموده است.

تیر پیسل - در کا رخانه های تیر پیسل با زنی تیریز ۵ تن از کارکنان مبارز که یکی از آنها نامش ینده کارکنان است را به جرم تبلیغات علیه رژیم اخراج نمودند. این امر خشم و ندرت و اعتراض سا برکا رگسرا ن را برانگیخت. رژیم برای خاموش ساختن اعتراض کارکنان اقدام به تهدید و ارباب آنها نموده است.

گیلان - در کا رخانه فرش در دیماه به دستور مدیرعامل سه تن از کارکنان اخراج شدند. اما دو هزار تن از کارکنان این کا رخانه ها همبستگی شکوهمندی به حمایت از اخراج دشگان برخاسته و کارکنان اخراج شده را علیرغم دستور اکید مدیرعامل بکار بازگردانند.

در کا رخانه دیماه به بهانه های واهی اخراج نمودند. دیگر کارکنان به حمایت اخراج دشگان برخاسته و یکپارچه اقداماتی را برای بازگشت آنان به کار آغاز نمودند. بر اثر این اقدامات تا کنون ۲۲ نفر به کار بازگشتند.

با بهره گیری بیرویه پالیسها ها را تخریب میکنند به دستور سرکردگان رژیم از پالیسها ههای نفت کشور بیشتر از ظرفیت و توان آنها بهره برداری می کنند. بدین ترتیب این پالیسها ها را به

شدت فرسوده کرده و در معرض نابودی قرار دادند. با این روش بهره برداری، آیمنی تاسیسات حساس پالیسها ها به هیچ وجه مراعات نمی شود و از این رو هر لحظه احتمال بروز فاجعه ای مهرو د.

مبارزه بیروزمندان اهالی دهنون اصفهان

در ۱۳ بهمن اهالی دهنون اصفهان (که در ۱۰ کیلومتر ۱۲ جاده اصفهان تهران واقع است) پس از یک درگیری شش ماهه با مسئولین دولتی بر سر نحوه تقسیم دفترچه های ستاد بسیج اقتصادی، جاده اصفهان به تهران را مسدود ساختند.

به اهالی دهنون از سوی بسیج اقتصادی دفترچه سهمیه کالای روستایی داده بودند. مقامات دولتی در توزیع کالا میان شهر و روستا آشکارا و رسما تبعیض قائل شده اند. با دفترچه بسیج روستایی نمی توان کالاهای مثل مرغ و تخم مرغ تهیه نمود. مقامات با این فرض غیرواقعی که در روستا ها مرغ و تخم مرغ و ... به وفور یافت می شود، از توزیع اینگونه کالاها در روستا خودداری می نمایند. از این رو اهالی دهنون خواستار دفترچه کالاهای شهری بودند. آنها تاکید می کردند چگونه است که در اخذ عوارض ما را شهری به حساب می آورند ولی وقت دریافت کالا، روستایی می شویم. زحمتکاران دهنون برای وادار ساختن مسئولین به پذیرش خواسته شان در روز ۱۲ بهمن با به آتش کشیدن لاستیکهای کهنه جاده تهران - اصفهان را مسدود کردند. مقامات دولتی پس از ۴۸ ساعت ناچار شدند در برابر زحمتکاران دهنون عقب نشست و به خواسته شان تن دهند.

دربار پرورش رژیم، زحمتکاران ایستادگی میکنند

همزمان با سالگرد انقلاب کیا تشهر (واقع در دولت آباد در جنوب شرقی تهران) صحنه اعتراض خشمگین مردم علیه سیاستهای فئودالی رژیم جمهوری اسلامی شد. هزاران تن از ساکنین آبارتمانهای کیا تشهر و اهالی دولت آباد در برابر ما مورین شهرداری و نیروهای ایستادگی که قصد تخلیه منازل این زحمتکاران را داشتند، قاطعانه ایستادند و در پیستم بهمن ماه ما مورین شهرداری همرا به با نیروهای ایستادگی به محل مراجعه کرده و با تهدید و فریب شروع به تخلیه اثاث منازل کردند که به مقاومت مردم منجر شد و در پی آن زدوخورد سنگینی روی داد. زحمتکاران بمنظور جلب توجه مردم به رویدادهای این متلا، توبان پرترا فیک آسیریه را در نزدیکی تقاطع اتوبان بعثت مسدود نمودند و در همان جا متحصن شدند که بلافاصله نظرات سپاه پاسداران سومی مستند. تحمین تا مدتی طولانی ادا م می باید و تنها پس از اینکه به ساکنین آبارتمانهای کیا تشهر قول داده شد که خانه هایشان را تخلیه نخواهند کرد، تحمین پایان گرفت.

یکی از ستون های رژیم

ملکوتی امام جمعه تبریز مدتی قبل در یکی از سخنرانیهایش اعلام داشته بود "اکرامی از ستونهای دین و انقلاب است". اکرامی، شخصی که چنین از طرف ملکوتی مورد تجلیل قرار گرفته، از سرمایه داران بزرگ تبریز است. یک قلم از دارایی های او یک کا رخانه حلبی سازی است. مواد اولیه این کا رخانه را شخص به بهایی ارزان از خارج وارد می کند. در کا رخانه روزانه ۱۸۰۰۰ بیت حلبی ساخته می شود. هزینه تمام شده برای هر عده ۲۵ تومان و نرخ فروش ۲۵ تومان است. به این ترتیب ستون دین و انقلاب آقای ملکوتی تنها از این محل روزانه ۲۲۰ هزار تومان درآمد خالص دارد.

گودکان و نوجوانان در جبهه

وزارت آموزش و پرورش طی بخشنامه ای به مدارس راهنمایی اعلام کرد که ۴۵۰۰ دانش آموز راهنمایی در جبهه های جنگ بسر می برند. در این بخشنامه از معلمین خواسته شده بود که برای تدریس این دانش آموزان در همان جبهه جنگ، داوطلب شوند.

کارگران علمیه جنگ

در کا رخانه پلی اکریل اصفهان که به از کا رخانه های بزرگ این شهر صنعتی است، همرا ه میلفی از کارکنان تحت عنوان کمک به جبهه اخذ می نمودند. این امر همیشه مورد اعتراض آنها بود. اخیرا که اعتراض در این زمینه بالا گرفت، مسئولین اعلام داشتند مخالفین کتبا مخالفت را طرح نمی یابند. مسئولین کا رخانه گمان می کردند در برابر این پیشنهاد کارگران مرعوب شده و از خواست برحقشان دست خواهند کشید. اما برخلاف انتظارشان اکثریت قاطع کارکنان ورقهای را امضا کردند که حاکی از عدم رضایتشان از برداشت کمک به جبهه بود.

اعتصاب و اعتراض کارگران در رابطه با طرح طبقه بندی مشاغل

تزوین - چندی پیش کارکنان سوا حدریسندگی تزوین به نامهای "نازنج" "منهخ" و "فرخ" بدلیل عدم اجرای طرح ارزشیابی مشاغل دست به اعتصاب یکپارچه و هماهنگ زدند. کارکنان سوا حدریسندگی در مجموع بیش از ۳ هزار نفر کا رگرو ددر یک اجتماع لباس میدل به میان کارکنان رختخوردرویس از شنا سایی، ۱۰ نفر از فعالین اعتصاب را دستگیر نمودند. این اعتصاب به روز ادا م داشت. در طی اعتصاب کارکنان بطور جمعی به سر جاده رفته و با متوقف ساختن سرویس سا برکا رگرو د در صنعتی النبرز، آنها را در جریان قرار می دادند و تظاهراتی را می طلبیدند.

تهران - در کا رخانه آتسفر که سا زنده وسا ییل تاسیسات است، طبقه بندی مشاغل صورت گرفت. اما بر خلاف انتظار کارکنان در دستمزد گیرندگان حقوق های پایین متوسط روزانه فقط ده تومان اضافه شد و از حقوق کارکنان با سابقه و با تخصص مقدار قابل توجهی کسر گردید. کارکنان این تصمیمات را نپذیرفتند و احکام جدید را مردود دانسته و به کارگزینی پس دادند. در قسمت تعمیرات کارکنان معترض یک روز اعتصاب کردند.

فقط ۴ درصد

اخیرا از جانب گمرک مهرآباد دلیل محرمانه ای از وضعیت کارمندان و وزارت اقتصاد دودارایی ارسال شده که در آن ۱۷ نفر از کارمندان را صادق ۴۰۰ نفر را راضی و کم کا ربقیه را عنا صرنا مطلوب تشخیص داده اند.

اخباری از با زگشت بزرگ مالکان

هرمزگان - رودان - "صمدخان" از فئودالهای معروف منطقه رودان با حکم "حاکم شرع" منطقه و با حمایت ارگانهای سرکوب رژیم، به قصد با زین گرفتن زمینهای معادراهی دهقانان روستای "چراخ آباد" به روستا با زگشته است.

غوی - روستای "علی شیخ" - ۵۰۰ روستاییان علی شیخ به دلیل رهبری اعتراض دهقانان و دامداران در مقابل یکی از زمینداران و دامداران بزرگ روستا، توسط حاکم شرع خوی با زده شد و به ۶ ماه حبس محکوم شدند. قابل توجه است که زن از این روستاییان از اعضای هسته مقاومت روستا بوده و یک تن دیگر از آنها رییس شورای ده است. این امر اعتراض اهالی را برانگیخت و زن روستا با به چار بیدن کوفته شدن به روی مراتع غمبسی فئودال مزبور اعتراض خود را ادا م دادند. مقامات شهرستان خوی اقدام به دستگیری شوهران این زنان مبارز روستایی نمودند. این اقدام باعث اعتراض اهالی روستای مجاور شد. دهقانان روستاهای مجاور در پی این اعتراض با خوی رفتند و خواهان آزادی سریع زندانیان شدند. حاکم شرع و دیگر مسئولان که از این امر به وحشت افتاده بودند فوراً اقدام به آزادی زندانیان کردند.

ترکمن صحرا - دهقانان زحمتکار روستای "بهلکه" حومه علی آباد که با میان زرات خود و حمایت همه جا نیبه "ستاد مرکزی شورا های ترکمن صحرا" زمینهای "نعمتی" بزرگ مالک روستا را پس از انقلاب مداره کرده اند، با ردیگر با اتحاد دوباره خود اقدامات پاسداران رژیم را که قصد با زین گرفتن زمینهای دهقانان و برگرداندن آنها به "نعمتی" را داشتند، خنثی کردند و آنها را ناکام ساختند.

اردبیل - روستای "خشکه رود" "سیدفا شق" و دیگر اعضای خانواده "نواری" که از روحانیون ذیهفوذ اردبیل بوده و شخص وی از فئودالهای بزرگ و تولید مسجدا مع شهرات، اخیرا با حمایت موسوی اردبیلی، صانعی داستان کل رژیم، مروج اما جمعه اردبیل و اصلاحی حاکم شرع، اقدام به با زین گیری سه هزار هکتار اراضی روستای "خشکه رود" کرده اند. دهقانان پس از انقلاب از وی معادره کرده بودند. دهقانان روستای "خشکه رود" دست به مقاومت زدند و دلوسی ارگانهای سرکوب رژیم دهقانان مبارز را دستگیر و زندانی کردند و تعدادی از آنها را بی طرفانه به زندان بین ۱ تا ۳ سال محکوم نمودند.

مازندران - با بل - دادگان انقلاب شهرستان با بل، طی حکمی از همه کسانیکه از سال ۱۳۵۰ زمینهای بزرگ مالکان را معادره کرده اند تخلیه بیدکسود و حمایت همه جا نیبه خود را یک باره از همه بزرگ مالکان اعم از ساواکی و فراری ریز و درشت اعلام نمود. دهقانان منطقه به این حکم اعتراض نمودند و دادگان انقلاب با بل نیز برای زنده نگه داشتن آنها غیبا حکم زندان صادر کرد. ارگانهای سرکوب رژیم در با بل تا کنون موفق شده اند ۴ تن از این دهقانان مبارز دستگیر کنند. بقیه آنها محل سکونت خود را ترک گفته اند.

پیام شادباش احزاب برادر

به مناسبت ۱۹ بهمن و برگزاری پلنوم مهرماه

به مناسبت خیزش خودمزه همپیمانان لگدینیا رنگذاری زمان به همچنین بیخاطب طر تشکیل پلنوم مهرماه کمیته مرکزی از سوی احزاب برادران دروسا زمانها انقلابیست که های تویکی به کمیته مرکزی زمانها رسا لگرددیده است

همچنین تعدادی ز نشریات احزاب خبر تشکیل پلنوم و تصمیمات آنرا با زمانها در ابتدا خبرا نیز "بولتنس اطلاعاتی" احزاب کمونیستی و کارگری شما ره شمال ۱۹۸۵ با درج پلانته دبیرخا ته کمیته مرکزی و فراخوان پلنوم به جها نیا نبه اشکاسو سیع مبارزه ما در سطح جهان باری رسا نندند

در پیما هاری رسیده ضمن برا صمیمانه ترین احساسات نسبت به سازمانها از مبارزات عادلانه ویرحقم مردم ایران علیها رجاعا طمانه پشتبیا نبه شده است

در پیما کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه آده است: "بمناسبت جها ردهمین سال لگردد تولدسا زمان شما حزب کمونیست فرانسه همبستگی خودرا با مردم ایران ونیروهای دمکراتیک آن را موردتایید قرار می دهد. حزب کمونیست فرانسه به مساعی همبسته ترقیخواهان ومیهن پرستان ایرانی ، بویژه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در مبارزه با طرفدمکراسی ، رعایت حقوق بشر، ترقی اجتماعی و پیا ن دادن به جنگ عراق وایسترسران درود می فرستد"

در پیما کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان به کمیته مرکزی سازمان رنگفتند: "کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان به مناسبتی از تمام اعضای حزب مردم انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان بهترین شادباش های رفیقا شه همبستگی گرم برادرانه خویش را بمناسبت آغاز مبارزه همبستن سال بنیابنگذاری سازمان قهرمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و شما با و طریق شما به تمام اعضای رزمنده و دلیر سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و همبستگیا ن ایران ابراز می دارد"

در پیما همچنین آمده است: "رفقای عزیز! امروز یک سال دیگر از زندگی پرافتخار سازمان قهرمان شما سپری شده است ، یک سال پرورش برای مردم و انقلاب ایران ، سالی سرشار از مبارزه ، حماسه ها و قهرمانها ، سالی که پلنوم کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با نتایج سودمند در زندگی سازمان و جامعه پیروزمانده برگزار گردید"

در پیما کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان آمده است: "کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان از طرف تمام اعضای خود و زحمتمکشان بنیابنگذاری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) گرمترین درودهای انقلابی و برادرانه و تبریکات خود را به شما و از طریق شما به تمام اعضای سازمان شما زحمتمکشان ایران ارسال می دارد. تحسنترا اختناق آمیزترین شرایط سلطنت مستبدانه طرفدار امپریالیسم ، تاسیس سازمان شما در تاریخ جنبش انقلابی ایران حادته مهمی محسوب می گردد"

"انگنونه که محافل ارتجاعی ایران با یورش بزرگ علیه حزب توده ایران ، سازمان شما و سایر نیروهای مترقی ، برای پس گرفتن دستاورد های انقلاب ضد سلطنتی و فدا میزبانی لیستی ایران تلاش می ورزد ، اتخاذ مواضع اصولی و شایسته و تدابیر مبارزات شما سازمان را در میان احزاب برادر کمونیستی و سوسیالیستی آفرینستیزعالی برخوردار نموده است"

در پیما تبریک حزب کارگران کمونیست سوئد بمناسبت برگزاری پلنوم مهرماه کمیته مرکزی سازمان آمده است: "رفقای عزیز! ما خبر برگزاری پلنوم اکتبر ۱۹۸۴ کمیته مرکزی سازمان شما را در یافت کردیم ، خبرهای اصله گواهی می دهد که سازمان شما در شرایط بسیار دشواری فعالیت می کند ، ولی با وجود این دشواریها ، کار خستگی ناپذیرش برای احقاق حقوق قانونی مردم ایران همچنان ادامه دارد. حزب ما همبستگی عمیق خود را با مبارزه شما اعلام می دارد و برای پیروزی مبارزات شما در راه صلح ، استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی آرزوی موفقیت می کند"

در پیما دفتر مرکزی حزب کمونیست هندوستان آمده است: سازمان شما تحت هدایت ایده های مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری همگام با جنبش توده ایران و دیگر نیروهای میهن پرست و فدا میزبانی است ، سهم عظیمی را در جهت تحقق و تثبیت اهداف انقلاب مردمی ۱۹۷۹ ایران و در مبارزه بر علیه سیاست های تسلیم طلبانه و مخرب رژیم مستبد کنونی کورتان بر عهده دارد"

بقیه در صفحه ۹

جشن اول ماه مه راهرو چه یوتوان تو بر گزار کنیم

از آن زمان به بعد ، کارگران با رده برگزار ی علنی و رسمی جشن محروم شده اند. درسه سال گذشته سران رژیم با نفو تسلطی اول ماه مه با بها نسه قراردادن ادا مه جنگ و افزایش فشارها کارگران برای افزایش تولید و با بیش کشیدن سال مرگ اشخاص وابسته به خود کوشید ما نغ برگزاری جشن اول ماه مه شود. رژیم حتی تلاش کرد که با نفورسمی تسلط اول ماه مه ، از برگزاری هرونو جشن در محیط کار جلوگیری کند. با این حال کارگران تسلیم این فشارها نشدند و در محافل خصوصی و در محیط کار جشن را مخفیانه برگزار کردند

امروز موقعیت رژیم در برابر کارگران و زحمتمکشان ایران ضعیف تر از سال گذشته است. کارگران با یید از تفصیل موقعیت ای که با دادن هزاران اجزای زندان و کشته شده است آورده اند ، به سود تضعیف بیشتر رژیم و تقویت موقعیت خود سودجویند و حدا کثر بهره برداری را بکنند. کارگران باید تعطیل رسمی اول ماه مه را درخواست کنند و بطور مستقل این سران روز را تعطیل کنند. از بالا برگزاری هر چه با شکوه تر جشن را تدارک ببینند ، از بالا لگردد کنند که چگونه در این روز به طرح خواست و مطالبات خود و تحکیم اتحاد همبستگی کارگری و به عرصه افشای رژیم تبدیل کنند. اگر همه کارگران هروا حدوا کارگران همه واحدها برگزار ی علنی جشن و تعطیل آن روزها نند رژیم قادر به جلوگیری نیست. ما با یید به استقبال اول ماه مه بشتایم

امروز موقعیت رژیم در برابر کارگران و زحمتمکشان ایران ضعیف تر از سال گذشته است. کارگران با یید از تفصیل موقعیت ای که با دادن هزاران اجزای زندان و کشته شده است آورده اند ، به سود تضعیف بیشتر رژیم و تقویت موقعیت خود سودجویند و حدا کثر بهره برداری را بکنند. کارگران باید تعطیل رسمی اول ماه مه را درخواست کنند و بطور مستقل این سران روز را تعطیل کنند. از بالا برگزاری هر چه با شکوه تر جشن را تدارک ببینند ، از بالا لگردد کنند که چگونه در این روز به طرح خواست و مطالبات خود و تحکیم اتحاد همبستگی کارگری و به عرصه افشای رژیم تبدیل کنند. اگر همه کارگران هروا حدوا کارگران همه واحدها برگزار ی علنی جشن و تعطیل آن روزها نند رژیم قادر به جلوگیری نیست. ما با یید به استقبال اول ماه مه بشتایم

اول ماه مه بشتایم

اول ماه مه روز همبستگی کارگران و زحمتمکشان جهان ، عید بزرگ کارگری جهان است. هر ساله کارگران و احزاب کمونیست و کارگری همه کشورها ، این روز را به تناسبت شرایط کشور خود جشن می گیرند و همبستگی خود را با برادران خود در سایر کشورها و حمایت از مبارزات آنان را اعلام می کنند.

در کشورهای سوسیالیستی ، انقلابی و ترقیخواه جشن اول ماه مه با شکوه هر چه تناسبت برگزار می شود. در کشورهای اروپایی و د آمریکا ، احزاب کمونیستی و کارگری واتحادیه های کارگری میتینگهای باشکوه برگزاری کنند. در آن کشورها خفا ن واستیبا د حاکم است ، کارگران اگر چه مخفیانه ، اما با زهم این روز را جشن می گیرند.

در جامعه کارگری ایران ، برگزاری این جشن از سن کارگری است. در تمام دوران سیاه پهلوی ، کارگران ما این سنت را گرامی داشتند. آنها وقتی که رژیم زمامت را ستون شد ، عید کارگری را با شکوه تمام علنا برگزار کرده اند. در سال ۵۸ کارگران عظیم ترین راهپیمایی اول ماه مه را برگزار کردند. آنان در این راهپیمایی عظیم عزم استوار خود را به ادا مه بردن علیه امپریالیسم ، استبداد و ارتجاع اعلام کردند. در سال ۶۰ جشن اول ماه مه با عظمت بی سابقه دعوت سازمان ما برگزار شد. در این جشن صدها هزار نفر در میدان آزادی تهران گرد آمدند ، همبستگی خود را با کارگران سراسر جهان و اما دکسی خود را در پیاندا ری از دستاوردهای انقلاب در برابر یورش امپریالیسم و ارتجاع اعلام کردند.

یورش امپریالیسم و ارتجاع اعلام کردند.

خمینی: اسلام ما را موظف می کند ساواک درست کنیم!

ری شهری وزیر اطلاعات "ساواک" جمهوری اسلامی چندی پیش طی مصاحبه ای درباره شیوه تشکیل وزارت اطلاعات و وظایف آن سخن گفت و اعلام داشت که به ساختن وزارت اطلاعات سازمانها برای اطلاعاتی از جمله دفاتر اطلاعات و تحقیقات نخست وزیر مراکز اطلاعاتی سیا به پاسداران ، کمیته ها و ادانتهای همگی متمرکز گردیدند. وی افزود: وزارت اطلاعات هم اکنون در همه ادانتهای شهرستانها و شهرها تشکیلات خود را مستقر کرده است" (اطلاعات ۲۳/۱۱/۷۹)

پس از این اقدامات وزیر ساواک جمهوری اسلامی به اشفاق گروهای ارسولان این وزارتخانه با خمینی دیدار و گزارش کارهای ساواک را تقدیم کرد. در این دیدار خمینی ضمن سخنانی کوشیده نسبت به واکنش مردم که بیش از پیش شدید خود را از ساواک جدید التاسیس رژیم ابراز می دارند نسیخ گوید و بگوید که تشکیل ساواک جنبه شرعی و اسلامی دهد و او گفت:

"وزارت اطلاعات (ساواک) از ماورسیا زهم است ... اسلام ما را موظف می کند در این امور دخالت کنیم. کنار رفتن و کنج خانه نشستن و دعا کس کردن فایده ای ندارد ، باید به انبیا ، اقتدا کنیم" ، اینگونه "فقیه معصوم" برای پیگردو شکنجه و کشتار انقلابیون و معصوم ترین فرزندان مردم پرچم تشکیل ساواک راهم مثل پرچم ادا مه جنگ و دهها جنایت دیگر که دست گرفت. ساواک رژیم با هدف تشدید سرکوب سازمان یافته و سیستماتیک مبارزات رخداینده توده ها و احزاب و سازمانهای سیاسی که رژیم را افشا و ورسوای سازند تا پس گرفته شود. دیگر سازمانها و واحدهای اطلاعاتی گوناگونی که زیر نظر رگانهای مختلف به فعالیت ضد مردمی مشغول بودند گامی نبود.

حفظ حکومت در شرایطی که روز بروز روههای بیشتری از مردم به نبرد علیه آن بر می خیزند به تشکیلات امنیتی وسیعی که با انکاء به تجربیات امپریالیستها سازمانها یا بدو کار کنندگان میزند بود. حکما جمهوری اسلامی که با "دورانیدیشی" از همان ابتدای انقلاب مانع از انحلال بخشهایی از ساواک منقوشده بوده باشتاب اقدام به بازسازی ساواک جدیدی در ابعاد وسیع تر و در حدیک وزارتخانه نمودند. البته بسیاری از ساواکیهای معروف و مسئولان امنیتی منقوشده خیلی زود به مشاوران امنیتی رژیم بدل شدند.

سیاستهای بازجویی و تعقیب و مراقبت انقلابیون ابراری حکام جمهوری اسلامی کنترلت و هدایاست می گردند ولی از زمان تشکیل وزارت "ساواک" جدید بقیه در صفحه ۴

دستور العمل محرمانه علیه اعتصابات کارگری

اخیرا از سوی "نخست وزیر" نامه محرمانه ای به کلیه فرمانداریهای شهرستانها ارسال شده که موضوع آن مربوط به اعتصابات کارگری و چگونگی سرکوب آنهاست. در این نامه اعتصابات کارگری به سه دسته "اضطرابی" ، "بهم" و "عادی تقسیم بندی شده است. دستورالعملها و اعتبارهای این موضوع وظایف و دستورالعملهای مفروضه تخین شده در مورد بازداشت فعالین اعتصاب و چگونگی آرا م کردن کارگران اعتصابی رهنمودهایی آرایه شده است. در این بخشنامه گفته شده: "ما مورین بهیچوجه دست به بازداشت در بین جمعیت تظار هر کسندند نزنند ، بلکه با بدرقه ای آنها را شناسایی و در پیرون از محیسط کارخانه به صورت فردی و پنهانی با بازداشت نمایند"

و نیز گفته شده: "ما مورین باید با لباس میدل در میان جمعیت حرکت کرده و اعتبار بیون آرا م کنند" در بخشنامه مزبور در مورد وظایف فرمانداری گفته شده: "به مجرد شروع اعتصاب در هر شهرستان در موظف است در اسرع وقت موضوع را به مقامات بالادست وزیر اطلاع دهد" و در مورد تمرکز بخشیدن و هما هنگ کردن قوای سیاسی ، اداری ، انتظامی و در ارتباط با اعتصاب با مطلق اضطراری گفته شده: "لازم است سپاه ای از نفرات مل فرمانداری شهرستان ، فرمانده سپاه پاسداران ، فرمانده کمیته انقلاب اسلامی ، فرمانده ارتش و نماینده ویژه وزارت کار سر یکسا تشکیل شود و موضوع ابررسی و اتخاذ تصمیم کند"

آنچه سبب این تلاشهای مذموبحانه رژیم کشته است رشد سریع مبارزات کارگران و بطور مشخص و قسوع نزدیک به دهه پنجاه اعتصاب کوچک و بزرگ در طول سال گذشته است.

سران خائن و مرتجع رژیم که زمانی آنها معتاد و فداکاری مردم را پشت سر خود داشتند ، هم اینک ختم و اعتراض روزافزون کارگران و تشدید اعتراض و نارضایتی دیگر اقشار خلق را در مقابل خود می بینند . آنها دیگر نمی توانند کارگران مبارز را با وعده و حرف ، با حقه بازی و با زبان بازی مخصوص خودشان بفریبند ، سرکوب مسلحانه و خشن کارگران را اعتباری نیز نمی توانند برایشان نتیجه مطلوب بیاورد.

کارگران میهن ما تجارب بسیار زنده ای از مبارزات انقلابی خود علیه رژیم شاه داشته اند. بهره گیری روزافزون از درسیهای آموزنده انقلاب آنانرا تا حد قابل ملاحظه ای آبدیده و آگاه کرده است. ایستادگی و مقاومت کارگران در برابر سرکوب خشن و ناتوانی رژیم در پیا ن بخشیدن به روند اعتصابات فراینده کارگری مخصوصا در واحدها و موسسات بزرگ ، رژیم را مجبور ساخت که به اشکال پیچیده تر سرکوب و تلفیق آن با سرکوب مسلحانه روی آورد ، بخشنامه محرمانه شد کارگری "نخست وزیر" نیز با چنین هدف ما در دست است. کارگران آگاه و پیشرو همسسه فعالین جنبش انقلابی کارگری با یید با همکاری این توطئه ها را افشا کنند و توده کارگران را نسبت به نقشه های رژیم آگاه سازند و برای خنثی کردن این تلاشها تجهیز کنند

آدرس: PT. 10 1091 WIEN AUSTRIA
 اتریش
 حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER

این تلاشها تجهیز کنند

پیش بسوی جبهه متحد خلق